

با صحافی، معمولاً مراحل ساخت «نسخه» به پایان می‌رسد. در این هنگام نسخه خطی دارای «جلد» می‌شود، یعنی «مجموعه عناصری که از بیرون، دسته جزوهای صحافی شده را محافظت می‌کند و معمولاً دارای دو دغه و یک عطف است». همان‌طور که خواهیم دید، مواد و فنون مختلف به کار گرفته شده برای آنکه جلد کردن کتاب برای عامه مردم یک خرج نامعقول ناگزیر نباشد، راه‌حل‌های اقتصادی فراوانی را دربر دارد. با وجود این به نظر می‌رسد که همه نسخه‌های خطی، دست‌کم به محض اتمام نسخه‌برداری، صحافی نمی‌شده‌اند.^۱

از سوی دیگر، این جزء کتاب، به دلیل محل قرار گرفتن (و کارکرد) آن، در معرض فرسودگی بسیار قرار دارد: از این رو بسیار اتفاق می‌افتد که به مرمت و حتی تعویض نیاز پیدا کند. هنگامی که این ضرورت پیش می‌آید، هر چند که آن نسخه خطی بخشی از یک مجموعه غربی شده باشد، صحافی جدید اغلب مطابق با ویژگی‌های محلی انجام می‌شود. در صفحات بعد، با نگاهی گذرا، به بررسی این نوع جلد و به طور خاص

^۱ D. Muzerelle, *Vocabulaire codicologique*, p. 183.

^۲ نک. 156 et n. 45, CHICAGO 1981؛ در این مورد، نویسندگان حکایتی را از توحی نقل می‌کنند که در آن یک نسخه خطی به صورت مجموعه جزوهایی نگهداری می‌شود که هر کس بخواهد، آنها را برای نسخه‌برداری امانت می‌گیرد. این وضعیت، نمونه نسخه‌های پاریس 983, 984 et 986 BNF Suppl. turc را تداعی می‌کند که در یک صحافی تقریباً جدید، جزوهایی که در اصل به صورت مستقل دست به دست می‌گشته است در یک مجلد صحافی شده‌اند؛ وانگهی بسیاری از آنها با یک برگ از جنس ورق پوستی جلد شده‌اند.

[در اصل کتاب: «Les cahiers des manuscrits»]; voir le ch. G. Vajda, «Trois manuscrits de la bibliothèque du savant damascain Yūsuf ibn ʿAbd al-Hādī», *J.A* 270, 1982, p. 229-256.

جلد و جلدسازی

فرانسوا دروش

مترجم: سید محمدحسین مرعشی

چکیده: در این مقاله به بررسی جلد و به طور خاص جلد‌های ساخته شده در جهان اسلام می‌پردازیم. آشنایی با تاریخ جلدسازی در جهان اسلام نسخه‌شناسان را در دریافت ارتباط میان جلد و نسخه یاری می‌کند، زیرا جلد نسخه ممکن است مرمت شده و یا تعویض شده باشد. همچنین شناخت فنون جلدسازی و نوع مواد به کار رفته در جلد‌ها و بررسی آرایه‌ها شاخص‌هایی را برای تعیین تاریخ تقریبی جلد به دست می‌دهد و در دستیابی به سرچشمه‌های جلدسازی اسلامی نقش مهمی را ایفا می‌کند. این مطالعه برپایه مشاهده مستقیم و اطلاعات ارائه شده در متون تخصصی که قدیمی‌ترین آنها به سده پنجم هجری/یازدهم میلادی تعلق دارد بنا نهاده شده است.

در این مقاله ابتدا با توجه به عناصر جلد، به وجود سه گونه جلد در جهان اسلام اشاره می‌شود: گونه نخست: جلد‌های قالب‌دار؛ گونه دوم: جلد‌های سرطبله‌دار؛ گونه سوم: جلد‌های با ساختار غربی، که تنها دارای دو دغه و یک عطف هستند. سپس کارمایه‌های مورد استفاده در هر یک از عناصر جلد، شامل میان‌جلد، روکش جلد، آستر، ته‌دوزی و شیرازه مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: جرم، ورق پوستی، پایپروس، کاغذ، پارچه، فلزات، سنگ‌ها و غیره. پس از آن به بررسی تزئینات لوح‌ها پرداخته می‌شود که شامل نقش‌کوبی، شبکه‌کاری، قلم‌زنی، برجسته‌کاری با نخ، سوزن‌دوزی، زراندودکاری و مهره‌کشی و رنگ و روغن است.

مؤلف در بخش انتهایی مقاله به بررسی آرایه‌های جلد‌ها براساس سه گونه جلد مطرح شده می‌پردازد. وی در نوع دوم جلد‌ها که در تزئینات آنها از شیوه‌های جدیدی استفاده شده است و تلفیق قالب نقش‌ها در آنها امکان ایجاد طرح‌های پیچیده‌ای را به دست داده است، به ارائه گونه‌شناسی آرایه‌ها از دیدگاه م. وایس وایلر (Weisweiler) می‌پردازد. وایس وایلر آرایه‌ها را به پنج گروه طبقه‌بندی می‌کند: آرایه‌های دایره‌ای، آرایه‌های پیوسته به دایره، بادامک، ستاره و آرایه‌های مرکب از قالب نقش‌های هم‌کنار. سپس مؤلف به تغییر اندازه قالب نقش‌ها اشاره می‌کند و به طبقه‌بندی کلیشه نقش‌ها که در حدود اواخر سده ۱۵/۱۵۹۹ به وجود آمدند می‌پردازد.

کلیدواژه: آرایه‌ها؛ جلد؛ جلدسازی؛ صحافی اسلامی؛ وایس وایلر؛ ماکس.

✓ مشخصات اصل مقاله چنین است:

François Déroche, «La reliure», *Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe*, Paris, BNF, 2000, p 272-328.

معرفی کلی

جلد کتاب، به دلیل محل قرار گرفتنش، به نحوی در معرض نخستین صدمات خارجی قرار دارد. به ویژه صدماتی که بر اثر استفاده از کتاب به وجود می‌آیند؛ باز و بسته کردن کتاب، جدا کردن یا تعویض جلد که تقریباً به همان اندازه سبب آسیب دیدن کتاب می‌شود. با گذشت زمان، جلد دچار فرسودگی می‌شود و ممکن است مرمت یا حتی تعویض جلد رانیز باعث شود. این واقعیت بر پژوهش درباره جلد یک کتاب خطی تأثیر مستقیم دارد و می‌توان آن را در یک پرسش خلاصه کرد: «چه ارتباطی میان این جلد و نسخه‌ای که در میان آن قرار گرفته وجود دارد؟» پاسخ به این پرسش گاه ساده است: نسخه پاریس، BNF arabe 405 - قرآنی که پیش از نیمه قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی نسخه برداری شده است - دارای جلدی به سبک یونانی و از چرم قرمز، با نقش سلاح‌ها و حرف اول نام هانری چهارم، پادشاه فرانسه است؛ بدون شک، این جلد تعویض شده است و جلد حاضر در سال ۱۶۰۲ م.، به احتمال قوی در پاریس، برای نسخه‌ای که در تاریخی قدیم‌تر احتمالاً در ترکیه، کتابت شده بوده ساخته شده است.^۷ در مقابل، زمانی که کتاب در شرق صحافی شده باشد، احتمالاً تنها با یک بررسی دقیق‌تر می‌توان به این پرسش پاسخ گفت.

پژوهش در باب جلدسازی مستلزم مطالعه بسیار دقیق اجزای مختلف تشکیل دهنده آن است؛ از این رو پیش از پرداختن به تحلیل آرایه‌ها، داشتن حداقل آشنایی با فنون جلدسازی برای پیشبرد مطلوب تحقیق ضروری است. ابتدا وضعیت نگهداری را مورد توجه قرار می‌دهیم: آیا جلد یک تکه است یا، برای مثال در محل عطف، آثار مرمت مشاهده می‌شود. وجود تکه‌ای چرم به رنگ دیگر ممکن است نشانه آن باشد که جلد مرمت شده است. ابعاد دغه‌ها نیز نشانه‌های مهمی را

جلدهای ساخته شده در جهان اسلامی - عربی خواهیم پرداخت. شناخت ما از یک سو مبتنی بر مشاهده مستقیم^۳ و از سوی دیگر مبتنی بر اطلاعات ارائه شده در متون تخصصی است که قدیمی‌ترین شواهد آن به قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی تعلق دارد.^۴

در میان انبوه جلدهای تولید شده در جهان اسلام، برخی از آنها با نخستین نگاه توجه متخصصان تاریخ کتاب را به خود جلب می‌کند، زیرا در آنها الگوی نخستین جلدهای غربی یافت می‌شود. اما این توجه تنها متوجه برخی جلدهای برگزیده می‌شود و همه دوره‌ها و حوزه‌های جغرافیایی به هیچ وجه، با این دقت، کنکاش نشده‌اند. پذیرش نسخه خطی در جهان اسلام به شیوه‌ای بسیار طبیعی انجام گرفت و روشی که پیش از آن برای محافظت از کتاب‌ها به کار گرفته می‌شد احتمالاً به همان صورت انتقال یافت. آیا باید سرچشمه‌های جلدسازی اسلامی را در مصر جستجو کرد؟ برته وان رگمورتر (Berthe Van Regemorter) معتقد است: «فن [جلدسازی] کمابیش در سراسر حوزه مدیترانه شرقی یکسان بوده و از مصر سرچشمه گرفته است [... اما] با فنون نسخه‌پردازی اسلامی کاملاً تفاوت دارد.»^۵ در مخالفت با این نظر، چند سال پیش، آدولف گروهمان (Adolf Grohmann) نوشت: «جلدهای قدیم اسلامی از نظر شکل و فن شباهت‌هایی با جلدهای قبطی دارد.»^۶ همان‌طور که دیدیم، پرسش درباره ریشه‌ها پاسخ‌هایی بسیار متفاوت را به دنبال می‌آورد و اگر بخواهیم پاسخی قطعی ارائه کنیم ممکن است شتابزده به نظر برسد، زیرا مواد و ابزار جلدسازی هنوز بسیار ناشناخته‌اند.

^۳ تأسف آور آن که تعداد پژوهش‌های انجام شده در مورد فنون جلدسازی انگشت شمار است.

^۴ پنج تن از نویسندگان عرب که پیش از سده ۱۹ م. نام آنان ذکر شده است عبارت اند از: ابن بادیس، بکر بن ابراهیم ایشبیلی، الملک المظفر، ابن ابی حمیده و سفیانی، ابن بادیس، عمدة الکتاب و عمدة ذوی الیاب، به کوشش ع. الحلوچی و ع. زکی، مجلة معهد المخطوطات العربية ۱۷ (۱۹۷۱/۱۳۹۱)، ص ۴۴-۱۷۲؛

(trad. dans M. Levey, *Mediaeval Arabic bookmaking and its relation to early chemistry and pharmacology*, p. 13 - 50); A. Gacek, «Arabic bookmaking and terminology as portrayed by Bakr al-Ishbili in his 'Kitab al-taysir fi sina'at al-tasfir'», *MME*, 5, 1990-1991, p. 106-113; du même «Ibn Abi Hamidah's didactic poem for bookbinders», *MME*, 6, 1992, p. 41-58; du même, «Instructions on the art of bookbinding attributed to the Rasulid ruler of Yemen Al-Malik al-Muzaffar», dans *Scribes*, p. 58-63; al-Sufyānī, *Art de la reliure et de la dorure*, éd. P. Ricard, Paris, 1925 (trad. dans M. Levey, *op. cit.*, p. 51-55).

^۵ B. Van Regemorter, «La reliure byzantine», *Revue belge d'archéologie et d'histoire de l'art*, 36, 1967, p. 102.

^۶ T. W. Arnold et A. Grohmann, *The Islamic book*, p. 34; D. Haldane (*Bookbindings*, p. 13)

^۷ F. Déroche, *Cat*, I/2, p. 88-89, n° 450.

مرمت برداشته شده و روی جلد جدید، که اندازه‌های آن اندکی بزرگ‌تر از جلد پیشین است، کار گذاشته شده است.^۹ حتی استثنائاً جلد ممکن است قدیمی‌تر از دسته جزوها باشد که نشان می‌دهد جلد نسخه‌ای قدیمی جدا شده و بار دیگر مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین امکان دارد که در هنگام مرمت جلد، صنعتگر یک لوح قدیمی آسیب دیده را برای بازسازی به عنوان لوح درونی به کار برده باشد.

سرتاجم آنکه آشنایی با تاریخ جلدسازی در جهان اسلام برای داوری در مورد پرسش‌هایی ظریف که درباره ارتباط میان نسخه‌خطی و جلد آن مطرح است نیز سودمند است. اگر لوح‌ها تزیین شده باشند، بررسی آرایه‌ها می‌تواند تاریخ ساخته شدن جلد را، البته به طور تقریبی، مشخص کند. روش کار و نوع ماده

به دست می‌دهد: در صحافی اسلامی، لبه‌های جلد بالبه دسته جزوها هم کناره‌اند. اگر لبه جزوها، به صورتی محسوس، عقب‌تر از لبه‌های جلد باشند و یا اگر، برعکس، لبه‌های جلد، با نواری از جنس دیگر پیش‌تر آمده باشند، می‌توان گمان برد که این جلد ابتدا متعلق به نسخه دیگری بوده است و یا بازایی شده و سپس به نسخه فعلی متصل گردیده است. نسخه کتابخانه پاریس، (BNF arabe 400) که دفته‌های آن بسیار بزرگ‌تر از دسته جزوهاست، بدون تردید نمونه‌ای از بازایی شدن جلدی است که متعلق به نسخه دیگری بوده است.^۸ به عقیده ریچارد اتینگهاوزن (Richard Ettinghausen)، دفته‌های اصلی جلد نسخه کتابخانه پی‌پرانت مورگان (M. 500) (Pierpont Morgan Library) در نیویورک هنگام

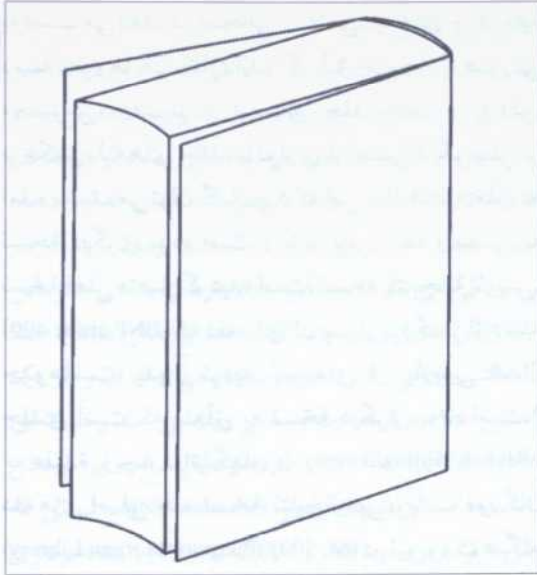


تصویر ۱: جلدی از آسیای میانه، [با مهر صحاف «عمل ملا محمد عیسی صحاف»]، سده ۱۳ هـ/ ۱۹ م. پاریس، BNF arabe 6772، دفته رو.

⁸ F. Déroche, *Cat.*, 1/2, p. 138-139, n° 552.

⁹ «The covers of the Morgan Manâfi' manuscript and other early Persian bookbindings», dans D. Miner éd. *Studies in art and literature for Belle da Costa Greene*, Princeton, 1954, p. 460;

ب. اشمیتس (B. Schmitz) در *Islamic and indian manuscripts in the pierpont Morgan library*, p. 10 می‌دارد که این جلد در سده ۱۲ هـ/ ۱۸ م. به تقلید از جلد اصلی ساخته شده است.



تصویر ۲: جلد کونۀ سوم.

مشاهده می شود؛ در این حالت، «دفعه زیر» یا «دفعه دوم» زیر مجلد قرار می گیرد. عناصری که برشمرده شد برای ساخت جلدهایی که آنها را گونه سوم می خوانیم کافی هستند.

ت ۲

دیگر بخش های تشکیل دهنده جلد های نوع سوم را که همیشه مشاهده می شوند نیز می توان در اینجا مطرح کرد. برای مثال می توان به «لوح های درون» یا «لوح های داخل جلد» و به عبارت دیگر، بخشی از دفعه که در تماس با دسته جزوهاست یا به «میان جلد» ها، که عنصر محکم دفعه را تشکیل می دهند، اشاره کرد. این ورقه ها ممکن است از جنس چوب یا مقوا که از کاغذ و گاه پاپیروس ساخته می شود، باشد. معمولاً میان جلد ها را با روکشی از جنس های مختلف می پوشانند؛ واژه «روکش» یا «لغاف» بیانگر پوشش دفعه ها و عطف مجلد از جنسی قابل انعطاف مانند پوست، پارچه^{۱۳} و... است. هنگامی که روکش جلد، قسمت خارجی میان جلد را به طور

مورد استفاده نیز می تواند شاخصی را به دست دهد؛ از این قرار، بسیار محتمل است که یک جلد نیم چرم که دفعه های آن با کاغذ ابر و باد پوشیده شده است با یک نسخه خطی کتابت شده در سده ۵هـ/۱۱م. همعصر نباشد.

به ندرت ممکن است رقم جلد، تاریخ داشته باشد این حالت اغلب در مورد جلد های به دست آمده در آسیای میانه یا افغانستان مشاهده می شود که نام صحاف و تاریخ صحافی در آرایه میانی لوح یا درون یکی از سرتنج ها نوشته شده است، برای مثال، نسخه های خطی تاشکند IOB 3105 و یا نسخه پاریس BNF 6772*arabe. اما اینها نمونه های بسیار ویژه از یک دوره و یک منطقه کاملاً مشخص اند. آثار رقم دار، در مجموع، بسیار کمیاب اند؛ بر روی دفعه ها، رقم ها معمولاً به صورتی نامشخص، در قالب نقش های ریز، [معمولاً] بدون ذکر تاریخ، ترسیم شده اند. گاهی نیز رقم ها بر روی آرایه های لوح درون مشاهده می شوند.^{۱۴} هنرمندانی که آرایه های جلد های روغنی را ساخته اند با آن که چندان نامی از آنها نمانده، اما بیشتر از جلدسازان «ستتی» روی آثار خود رقم گذاشته اند.^{۱۵}

کارمایه ها و روش ها

عناصر جلد

در جهان اسلام، گونه های مختلف جلد شناخته شده است که برای سهولت آنها را به سه گروه بزرگ تقسیم می کنیم (گونه اول، دوم و سوم). همه این گونه ها دارای عناصر مشترکی هستند: دفعه ها و عطف. «دفعه ها» عبارت اند از «قطعه [هایی] از مواد کمابیش محکم که روی نخستین و آخرین برگ مجلد قرار می گیرد»^{۱۶}. «دفعه رو» یا «دفعه اول» دفعه ای است که هنگام بسته بودن کتاب قابل مشاهده است، «عطف» - که روی قسمتی از دسته جزوها که ته دوزی در آنجا انجام شده قرار می گیرد - در سمت راست کتاب

^{۱۰} نگاه کنید به J. J. Witkowski, *Cat.* 5, p. 505. *FIMMOD* 250; F. Déroche, *Cat.*, 1/2, p. 144, n° 564.

۱. افشار، صحافی ستی، تهران، ۱۳۵۷، تصاویر. نک. صحافی «۴۰-۴۵»؛ به عقیده ای. آ. رضوان و آ. اف. آکیموشکین (O.F. Akimushkin)، منشأ این نوع رقم ها متعلق به حدود ۱۱۴۳هـ./۱۷۳۰م. در کشمیر است (نک. به مقاله ای. آ. رضوان درباره تاریخ نسخه E 20 در شعبه سن پترزبورگ مؤسسه مطالعات شرقی؛ E. A. Rezvan, «Yet another "Uthmānic Qur'an" *Manuscripta orientalia*, 6/1. 2000, p. 65-66, n. 8).

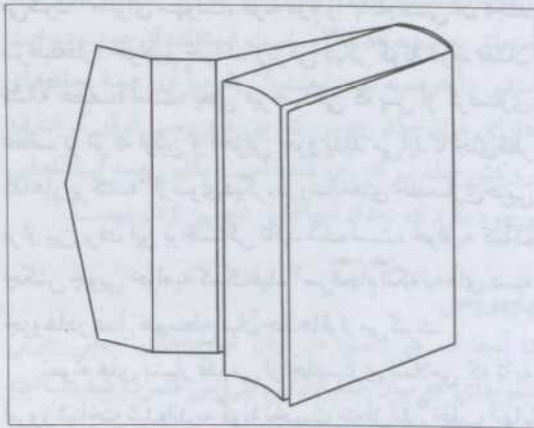
^{۱۱} م. وایس وایلر (M. Weisweiler) (p. 38) *Bucheinband* (نمونه های بسیاری را در این باره ذکر کرده است؛ دی. هالدین (D. Haldane) (p. 11) *Bookbindings*) و گ. بوش (G. Bosch) و دیگران (CHICAGO 1981, p. 13, p. 87, nos 2, p. 126, no 30 et 31, + etc) به قالب نقش های مشابه دیگری اشاره می کنند. نام صحافان را از زمان این ندیم تا سده اخیر می توان در متون یافت؛ مانند موارد دیگر موضوع گرد آوردن آنها از یک یا چند اثر به جا مانده است.

^{۱۲} فهرستی از ۲۱۱ تصویرسج مهر در پایان کتاب زیر دیده می شود.

(همه این آثار رقم دار جلد نیستند.) N. D. Khalili, B. W. Robinson et T. Stanley, *Lacquer of the Islamic lands*, t. I, p. 262-268

^{۱۳} D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 183.

^{۱۴} D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 185.



تصویر ۳: جلدگونه دوم.

شده به دست صنعتگران غربی^{۱۵}، که به طور مثال در ۳۰
کارگاه‌های مرمت به کار مشغول‌اند، متمایز می‌کند.

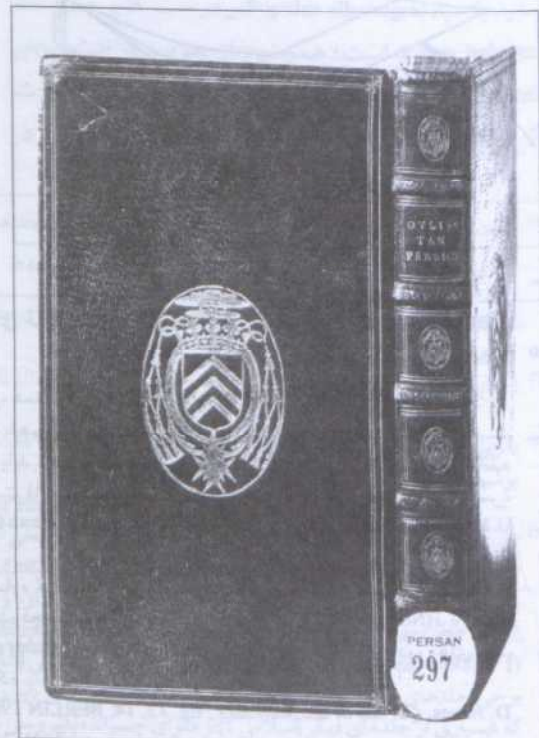
گونه دوم، الگوی متداول جلدسازی در بخش

بزرگی از جهان اسلام است^{۱۶}. از دیدگاه فنی، این گونه، شبیه به روش صحافی «ته چسب» است که «در آن، روکش جلد تنها با چسباندن بدرقه‌ها به لوح‌های درون به بدنه مجلد متصل می‌شود»^{۱۵} - «بدرقه» عبارت است از «ورق‌های سفید یا افزوده شده‌ای [...] که برای محافظت در ابتدا یا انتهای دسته جزوها قرار می‌گیرند»^{۱۶}. هنگامی که ته جزوها دوخته می‌شد، عطف آنها را با تکه‌ای پارچه که پهنای آن از قطر مجلد بیشتر بود آستر می‌کردند به گونه‌ای که انتهای دوطرف پارچه به میان جلد چسبیده شود؛ بنا به شیوه کار صحاف، «آستر» به عبارت ساده یا نیمه دو ورقی ابتدایی یا پایانی مجلد است^{۱۷}، یا یک [ورق] آستری که انتهای آن بانوعی چسب روی برگ آغازین یا پایانی می‌چسبید و عمل اتصال را تکمیل می‌کند.^{۱۸}

ویژگی برجسته گونه دوم بدون شک وجود عطف لولایی و بالک است؛ دو عنصری که از ضلع بزرگ بیرونی دغه زیر ادامه می‌یابد و یک لولای نرم آنها را به هم متصل می‌کند. «عطف لولایی»، به شکل مستطیل، قسمتی از جلد است که روی لبه جلوی کتاب قرار می‌گیرد تا هنگامی که کتاب بسته می‌شود از آن محافظت کند. عطف لولایی، که عرض آن با قطر کتاب برابر است، با لولایی دیگر به «بالک» که به شکل پنج ضلعی است و انتهای نوک آن روی محور میانی نسخه قرار می‌گیرد متصل

کامل فرا گرفته باشد «جلد یک تکه» نامیده می‌شود؛ اما، برعکس، اگر لفاف تنها عطف مجلد و قسمتی از میان جلد را که در مجاورت آن قرار دارد بپوشاند «نیم جلد» خوانده می‌شود. لوح‌های داخل جلد ممکن است دوباره روکش شوند: «آستر» جلد ممکن است از چرم، ورق پوستی، کاغذ یا پارچه باشد. در پایان اضافه کنیم که جلدهایی وجود دارند که فاقد میان جلد هستند و آنها را «جلد یک‌لا» می‌خوانند: نمونه‌های قدیمی این گونه جلد‌ها از جنس چرم و ورق پوستی هستند.

گونه سوم کمتر به جلد‌های شرقی مربوط می‌شود؛ از نظر تعداد، نسخه‌های عربی - مسیحی که به روش‌های بیزانسی صحافی شده‌اند در مقام نخست قرار دارند، و نیز جلد‌های نسخه‌هایی که در دوره اخیر در آسیای میانه - به معنای اعم - ساخته شده‌اند. تفاوت‌های فنی، به ویژه در شیوه محکم کردن اتصال دسته جزوها با جلد، آنها را به وضوح از جلد‌هایی که نسخه‌شناسان به فراوانی در مجموعه‌های بزرگ غربی می‌یابند و یا جلد‌های ساخته



تصویر ۳: جلد کلاسیک غربی از سده ۱۱ هـ/ ۱۷ م. (پاریس، BNF persan, 297).

15 D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 185.

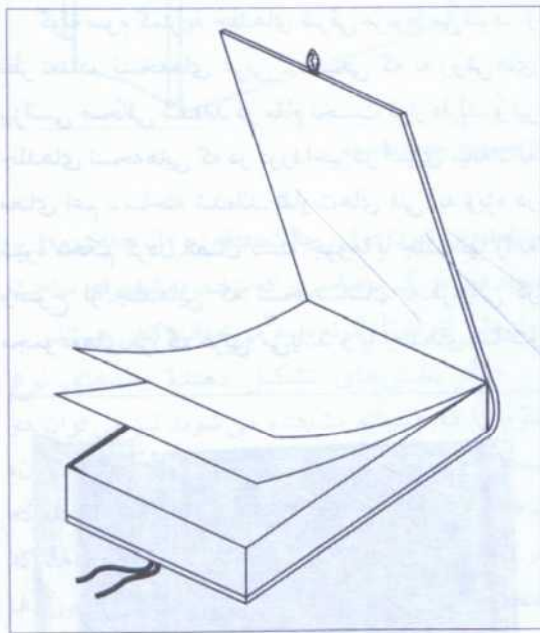
16 D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 96.

^{۱۷} در نسخه‌های ورق پوستی، تکه‌هایی در اندازه کوچکتر نیز در این قسمت به کار می‌رود.

^{۱۸} این شیوه در جلد‌های شرقی نوع دوم نیز دیده می‌شود.



قاب قرار گرفت کاملاً کیپ شود. و زبانه‌ای پارچه‌ای که به داخل قاب متصل است کتاب را بیرون می‌کشد.^{۱۵} ورقه‌های چرمی معمولاً به سبکی مشابه سبک تزیینات جلدها تزیین شده‌اند. استفاده از این نوع قاب برای قرآن‌ها بسیار رایج بوده است، و برای کتاب‌های دیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در آفریقای غربی، این قاب‌ها در واقع مانند کیسه‌ای چرمی بوده‌اند با بندی که برای حمل و نقل نسخه‌های قرآنی یا دیگر آثار مذهبی به کار می‌رفته است، و به علاوه محافظت از کتاب را نیز در عمل بیشتر می‌کرده است.^{۱۶}



تصویر ۵: نمونه جلد گونه نخست.

می‌شود؛^{۱۷} ما برای سهولت، گونه دوم را با نام سنتی آن «جلد سرطلبه‌دار» خواهیم خواند. ویژگی دیگر گونه دوم، فقدان «شانه عطف» است، یعنی «برجستگی که پس از گردسازی عطف بر اثر ته اولین و آخرین جزو پدید می‌آید تا جای قطر دفته‌ها را پر کند».^{۲۰} از سوی دیگر، در رساله‌های جلدسازی عربی بر این بردن این برجستگی تأکید شده است، خواه به کمک چکش چوبی خواه به کمک قید.^{۲۱} سرانجام آنکه لبه‌های دسته جزو‌ها در عمل هم سطح میان جلدها قرار می‌گیرند.

نمونه‌های بسیار قدیمی از جلدسازی اسلامی که تا به امروز شناخته شده‌اند به گونه نخست متعلق‌اند.^{۲۲} اغلب آنها با قطع بیاضی و دارای میان جلد چوبی هستند. وجه مشخصه آنها وجود روکش یک تکه از چرم، به اندازه قطر دسته جزو‌ها، است که به سه طرف دفته زیر چسبانده می‌شود، به صورتی که با عطف کتاب که طرف چهارم را تشکیل می‌دهد شکل یک صندوقچه را ایجاد می‌کند.^{۲۳} هنگامی که کتاب بسته می‌شود، این روکش، کناره‌های نسخه را می‌پوشاند. این «جلد قاب‌دار» معمولاً دارای چفت و بست است.

برای نگهداری بهتر کتاب‌ها از انواع مختلف قاب‌ها، از کیسه‌های ساده پارچه‌ای^{۲۴} تا جعبه‌های محکم و واقعی، استفاده می‌شده است.^{۲۵} در سرزمین‌های عثمانی، قرآن‌های با قطع کوچک اغلب دارای قابی کاملاً جزم و چفت هستند که مرکب از دو ورقه مقوایی با پوشش چرم است که از طریق یک سجاف پارچه‌ای با هم روی سه وجه دیگر چسبانده شده است، سرطلبه‌ای شبیه به سرطلبه جلدهای سرطلبه‌دار موجب می‌شود که هنگامی که نسخه درون

^{۱۷} باید دقت بسیار کرد که این عنصر را با جزء همنام آن در [جلد] نسخه‌های غربی اشتباه نکنیم. (cf. D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 185.)

^{۲۰} D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 184.

^{۲۱} این بادیس، همان، ص ۱۸۵ (trad. de M. Levey, *op. cit.*, p. 42)؛ سفیانی، همان، ص ۱۰ (trad. de M. Levey, *op. cit.*, p. 52).

^{۲۲} در منبعی (CHICAGO 1981, p. 56) آمده است که این سه طرف، همراه با هم الزاماً پوشش یک تکه‌ای را تشکیل نمی‌دهد؛ اشکال این است که در سه حالت ممکن، این عنصر تنها در یک حالت امکان تحقق می‌یابد و در جلدهای دیگری از این گونه که از آن زمان باقی مانده است، انسجام موجود میان لبه‌ها در مواردی که بهتر نگه‌داری شده قابل مشاهده است (نک: بررسی‌های اخیر یو. درایب هولس، U. Dreiholz, «Some aspects of early Islamic bookbindings from the Great Mosque of Sana'a, Yemen», dans *Scribes*, p. 16-17 et fig. 1).

^{۲۳} به صفحات بعد مراجعه شود.

^{۲۴} از قدیمی‌ترین نمونه این نوع صندوقچه‌ها می‌توان به کارهای وقف اشاره کرد. (برای نمونه، در مورد قرآن «آماجور»، نک: F. Déroche, «The Qur'an of Amājūr», *MME* 5, 1990-1991, p. 61)؛ عصری از صندوقچه-همراه با کتابه-که در آن قرآن «نوریس» (Nourrice) قرار داشته، باقی مانده است (B. Roy et P. Poinsot, *Inscriptions arabes de Kairouan*, Paris, 1950, p. 27-28, fig. 6 et pl. 2). از دوره‌های بعد، گونه‌های متعددی از جنس فلز یا چوب به جا مانده است (برای نمونه نک: D. James, *Qur'ans of the Mamlūks*, fig. 13, 14; BERLIN 1988, p. 173-174, n^{os} 99-101).

^{۲۵} برای نمونه نک. نسخه دوپلین، CBL 1587، متعلق به سال ۱۲۶۷ هـ. / ۱۸۵۱-۱۸۵۰ م، در:

D. James, *Q. and B.*, p. 135, n^o 112 (A. J. Arberry, *The Koran illuminated*, p. 70, n^o 224).

^{۲۶} صورت نهایی نسخه‌های به دست آمده از این منطقه شکل توده‌ای از برگ‌هایی است که به هم دوخته نشده‌اند. قاب نسخه تضمین دیگری نیز برای حفظ ترتیب ورق‌هاست. نمونه‌های برجسته‌ای از این نوع را می‌توان در آثار زیر مشاهده کرد: (نسخه‌های ۱۵۹۷، ۱۵۹۸ و ۱۶۰۱ در همین مجموعه نیز از این دست هستند) D. James, *Q. and B.*, p. 138, n^o 115; ms. Dublin, CBL 1599 (cf. A. J. Arberry, *op. cit.* p. 76, n^o 241).

A. Brockett, «Aspects of the physical transmission of the Qur'an in 19th century Sudan. Script, decoration, binding and paper», *MME* 2, 1987, p. 47-48 et fig. 1 (ms. Leeds, University Libr. Arabic Ms. 301). Munich, BSB cod. arab. 2641 (MUNICH 1982, 140, fig 24).

کارمایه‌ها میان جلد ۳۷:

چوب

میان جلد به ویژه در جلدهای قاب دار، که نشانگر شکل قدیمی جلدهای قرآن هستند از جنس چوب ساخته می شده است (نک: صفحات بعد). ورقه های چوبی که در این جلدها به کار می رود دارای ضخامت های مختلفی از ۴ تا ۱۱ میلیمتر هستند.^{۲۸} ابعاد آنها نیز بسیار جالب توجه است: ابعاد نسخه استانبول، TIEM ŞE 43، ۲۹۵ × ۴۰/۵ سانتیمتر است.^{۲۹} با وجود اندازه متوسط بیشتر نسخه های دوره های قدیم، ورقه های چوبی الزاماً از یک قطعه چوب ساخته نشده اند، بلکه گاه قطعاتی به کمک چسب و میخ به هم متصل شده اند. نمونه هایی نیز مشاهده شده که در قطعه چوب های به کار رفته هنوز نشانه هایی از کاربرد اولیه آنها وجود دارد.^{۳۰}

بر اساس اطلاعات ژرژ مارسه (Georges Marçais) و لویی پوان سو (Louis Poinssot) نوع چوب هایی که معمولاً بیشتر در قیروان به کار رفته چوب درخت تبریزی سفید یا سیاه (Populus alba/nigra) و درخت کاج حلب (sis-Pinus halepen) است؛ همچنین از چوب درخت انجیر (Ficus carica)، درخت برگ بو (Laurus nobilis) و درخت گز (Tamarix gallica) نیز استفاده شده است.^{۳۱} اشیلیلی در

رساله جلدسازی [التیسیر فی صناعة التفسیر] خود که متعلق به سده ۱۳۷۰ ه.م. است استفاده از چوب درخت سدر را توصیه کرده است.^{۳۲} تقریباً در همه جلدهای دارای میان جلد چوبی که مورد بررسی قرار گرفته اند روکش جلد نیز افزوده شده است. با این همه استثناهایی وجود دارد که تعداد آنها قابل تخمین زدن نیست.^{۳۳}

پاپیروس

تا آنجا که می دانیم، در میان نسخه های خطی عربی نمونه ای که میان جلد آن از پاپیروس فشرده شده ساخته شده باشد وجود ندارد.^{۳۴} این روش در مصر بسیار شناخته شده بوده است و همان طور که می دانیم بسیاری از جلدهای قبطی بسیار قدیمی دارای میان جلدهای ساخته شده از این جنس اند.^{۳۵} در غرب، تکه ای از جلد قدیمی انجیل Sarezano باقی مانده است که دارای میان جلدی از جنس پاپیروس است.^{۳۶} همچنین می توان گفت که این فرایند ساخت جلد در دوره ای که پاپیروس ماده ای رایج بوده برای نسخه های عربی نیز به کار گرفته می شده است.

کاغذ

بدون شک، رایج ترین میان جلد به کار رفته در جلدها از مقوا ساخته شده است. ساختن این نوع میان جلد، آن گونه که نویسندگان رساله های جلدسازی بیان کرده اند، بسیار

^{۲۷} همان طور که در صفحات پیش اشاره کردیم، برخی جلدها فاقد میان جلد هستند.

^{۲۸} G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 15.

^{۲۹} جلد ساختگی برلین را در اینجا به حساب نیاورده ایم.

^{۳۰} G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 139, n° 62; p. 149, n° 66; p. 190, n° 95; p. 202, n° 101, et p. 207, n° 104; U. Dreiholz, *op. cit.*, p. 27 et fig. 11.

^{۳۱} ژ. مارسه و ل. پوان سو فهرستی از این گونه جلدها را ارائه کرده اند (*Objets*, t. II, p. 509).

^{۳۲} A. Gacek, *op. cit.*, (MME 5), p. 107.

^{۳۳} به ویژه در مورد دو نسخه از قرآن، نسخه های میلان، H 144-145، کتابخانه آمبروزیانا، که تنها نیمی از میان جلد چوبی این نسخه ها با چرم پوشیده شده است و اصطلاحاً «نیم جلد» هستند.

(E. Graffini, «Die Jüngste ambrosianische Sammlung arabischer Handschriften», *ZDMG* 69, 1915, p. 80).

^{۳۴} جی دیوید ویل (J. David-Weill) درباره این طرز ساخت تصریحی که بتوان از آن تصور جلد داشت، ندارد (*Le Djāmi' d'Ibn Wabīh*, t. I [IFAO, Textes arabes, 3], Le Caire, 1939) قاهره، 2123. حدیث DaK. آ. گروهمان (202) n° 112, op. cit., p. 112, dans T. W. Arnold et A. Grohmann, op. cit., p. 112, n° 202).

یک جلد احتمالاً قدیمی قبطی را با این طرز ساخت مرتبط می سازد و درباره آن به اختصار شرح می دهد.

(CF. V. Scheil, «Deux traités de Philon», *Mémoires publiés par les membres de la mission archéologique française au Caire*, IX/2, Paris, 1893, p. 1).

برخی جلدهای قبطی موزه ویکتوریا و آلبرت دهه های از جنس پاپیروس دارند؛ و بی آنکه سخنش را بر مرجع مشخصی استوار سازد می افزاید که «بسیاری از جلدهای دیگر [اسلامی] از مقوای چسبانده پاپیروس با پوشش چرمی ساخته شده اند» (D. Haldane, *Bookbindings*, p. 11).

^{۳۵} Cf. J. Doresse, «Les reliures des manuscrits gnostiques coptes découverts à Khénoboskion», *Revue d'égyptologie*, 13, 1961, p. 34, 41, 47; *The facsimile edition of the Nag Hammadi codices*, t. I, Introduction, Leyde, 1984, p. 75-77.

(نمونه ای از قرن ۴ م. نسخه لندن BL Or. 7594 است).

^{۳۶} Cf. G. Godu, *Codex Surzanensis, fragments d'ancienne version latine du quatrième évangile*, Montecassino, 1936; E. A. Lowe, *Codices latini antiquiores*, 4, Oxford, 1937, p. 436, a, b; N. Ghiglione, *L'evangelario purpureo di Sarezano (sec. V-VI)*, Vicenza, 1984, p. 26 et fig., 354 et pl. p. 355.

از ژ. ووزن (J. Vezin) که این اطلاعات را در اختیار ما گذارد تشکر می کنیم.

گرفت (مانند چرم)، انجام می‌شد. در بررسی زیر، همان‌طور که خواهیم دید، همواره نمی‌توان ماده اولیه و طرز ساخت آرایه را همزمان مورد توجه قرار داد.

چرم

صنعت چرم در تمام جهان اسلام رواج داشته و در متون، بسیار از آن یاد شده است. در این متون کیفیت پوست‌های فراهم آمده در یمن و مغرب ستوده شده و بر مزایای روش‌های گوناگون عمل آوردن چرم تأکید گردیده است. رنگ‌رزی کاملاً شناخته شده بوده و کاربردهای دستورالعمل‌های ترکیبات مورد نظر همواره رعایت می‌شده است. ابن بادیس شیوه‌های رنگ کردن چرم به رنگ‌های سیاه، قرمز، زرد و سبز را در کتاب خود آورده است؛^{۳۳} ترکیب این رنگ‌ها امکان فراهم آمدن طیفی غنی از رنگ‌ها را به دست می‌دهد. در ترکیه عثمانی، دب‌آغان استانبولی سده ۱۱ هـ. / ۱۷ م.، ساختن چرم به رنگ‌های «آبی، گل بهی (pecher) Fleur de)، قرمز، زرد، و سبز سیر»^{۳۴} را می‌دانسته‌اند. در همان دوره، تاورنیه (Tavernier) نقل می‌کند که توکات (Tokat) به تیماج آبی، دیاربکر و بغداد به تیماج قرمز، اورفه (Urfa) به تیماج سیاه و موصل به تیماج زرد رنگ شهرت داشته‌اند.^{۳۵} درباره کیفیت این تیماج‌ها، بهتر است که در اینجا نظر متخصصان تقریباً معاصر را خاطر نشان کنیم که در یادداشتی به تاریخ ۱۱۴۰ هـ. / ۱۷۲۷ م.، در دفتر ثبت خرید چرم ویژه جلدسازی کتابخانه سلطنتی به جا مانده است. نویسنده اظهار می‌دارد که «چرم‌های مراکشی [در مقایسه با چرم‌های شهر ماریسی] دانه‌های پوست زیباتری دارند، اما کوچک‌ترند و نیز راحت‌تر خراش برمی‌دارند.

ساده و کم هزینه است.^{۳۷} برای ساختن این میان‌جلدها، در واقع کاغذهای باطله را بر روی هم می‌چسبانند تا مقوا قطر مناسبی پیدا کند و به اندازه کافی مقاوم شود.^{۳۸} در سرزمین‌های عثمانی یا، به طور کلی‌تر، در سرزمین‌هایی که فنون و روش‌های عثمانی شناخته شده بود، در این جلدهای آراسته گاه در میان عناصر گوناگون سازنده آرایه‌های جلد که خود از برجستگی آشکاری برخوردار هستند، اختلاف سطح چشمگیری مشاهده می‌شود. این امر هنگام تهیه مقوایدید می‌آید. صنعتگر از یک برگ مقوا، شکلی را، منطبق با محیط آرایه‌ای که در نظر داشته نقش اندازد، می‌بریده است، سپس این برگ را بر روی مقوایی که به عنوان بوم به کار می‌رفته می‌چسبانده است.^{۳۹} دغه‌های جلدهای روغنی، که اندکی بعد بدان خواهیم پرداخت، آن‌طور که گفته می‌شود، از کاغذ چسبانده (Papier mache) ساخته می‌شده است. در کنار آن می‌توان به مقوای معمولی نیز اشاره کرد که از برگ‌های کاغذ آغشته به چسب که روی هم چسبانده می‌شده به دست می‌آمده است.^{۴۰}

مواد دیگر

برای تکمیل این بررسی کوتاه، لازم است به برخی موارد نادر نیز اشاره کرد؛ مانند استفاده از فلز به عنوان بوم ورقه‌های صدف^{۴۱} یا ورقه‌های مرصع‌یشم.^{۴۲}

روکش جلد

کارمایه‌هایی که در زیر بدان‌ها خواهیم پرداخت الزاماً، دارای آرایه نبوده‌اند. در صورت تزئین جلد، این آرایش‌ها، بنا بر جنس روکش، یا پیش از کاربرد آن (مانند کاغذ ابری)، و یا برعکس پس از آنکه روی میان‌جلد قرار

37 Al-Sufyani, *op. cit.*, p. 5-8 (trad. M. Levey, *op. cit.*, p. 51).

38 در مقدمه رساله سفیانی (*op. cit.*, p. 1) از قول ابن عردون سفارش شده است که از کاغذهایی که دارای نام الله یا محمد [ص] است برای ساختن میان‌جلد استفاده نشود، مگر اینکه برای جلد قرآن باشد.

39 A. Sakisian, "La reliure turque du XV^e au XIX^e Siècle", *La revue de l'art ancien et moderne*, 51/1, 1927, p. 278, n 5.

40 N. D. Khalili, B. W. Robinson et T. Stanley, *op. cit.*, p. 10.

41 نسخه استانبول، کتابخانه دانشگاه F. 1426، در حدود سال ۱۵۶۰ (n° 55a) 134, n° 30; BERLIN 1988, p. 102-103, n° 30; VERSAILLES 1999, p. 282, n° 242) et 2/2095

42 برای نمونه، نسخه‌های استانبول، TKS 2/2121

(cf. ISTANBUL 1983, p. 230-231, n° E. 200; BERLIN 1988, p. 102-103, n° 30; VERSAILLES 1999, p. 282, n° 242) et 2/2095

(cf. FRANCFORT 1985, p. 105, n° 1/86 b; VERSAILLES 1999, p. 281, n° 241).

43 M. Levey, *op. cit.*, p. 43-45.

44 Evliya Çelebi, *Evliya Çelebi seyahatnamesi*, t. I. Istanbul, 1314/1898, p. 595 (cité par Sakisian, *op. cit.*, p. 282).

45 J. B. Tavernier, *Les six voyages en Turquie et en Perse*, t. I, introduction et notes de Stéphane Yérasimos, Paris, 1981, p. 55

ورق پوستی (بارشمن)

در غرب، نسخه‌هایی مانند نسخه پاریس BNF Persan 324، که جلد آن دارای روکشی از ورق پوستی بسیار ظریف باشد کم نیست.^{۴۲} در جهان اسلام، برعکس، نمونه‌های نادری که در آنها این ماده برای جلد به کار رفته، به صورت استفاده مجدد از برگ‌های نسخه‌های قدیمی اوراق شده است. در مجموعه موزه هنرهای ترکی و اسلامی استانبول، جلد کوچکی دارای بالکی از جنس ورق پوستی وجود دارد^{۴۳} که ممکن است وضعیتی مشابه با یکی از نسخه‌های توصیف شده در فهرست نسخه‌های خطی قرون وسطی کتابخانه قیروان داشته باشد.^{۴۴} نسخه‌های پاریس، BNF Suppl. turc 983, 984, 986 دارای «جزء»هایی هستند که هر یک معادل با یک جزو است و با یک دو ورقی از جنس ورق پوستی مستعمل پوشیده شده است: این احتمال وجود دارد که این دوبرگی‌های پوستی، اگر نه به عنوان جلد، دست کم به عنوان پوشش، در زمانی که جزوها در یک مجموعه ساختگی، مانند نمونه فعلی، به هم دوخته نشده بودند، به کار می‌رفته است.^{۴۵} اشبیلی در رساله جلدسازی خود می‌نویسد که چگونه با چسباندن ورق پوستی و کاغذ می‌توان یک ماده قابل استفاده برای جلد ساخت. او این ماده را «صِدْق» می‌نامد.^{۴۶}

کاغذ

ظاهر صنعتگران ترجیح می‌داده‌اند برای روکش جلد از کاغذهایی استفاده کنند که از پیش دارای نقش‌های

بهای آنها در محل، تنها ۲ لیره و ۱۰ استرلینگ است.^{۴۶} چرم‌های شرقی (Levant) بزرگ‌تر، دارای دانه‌های پوست زیباتر، رنگ تندتر و مقاومت بسیار بیشتر است، خراش برنمی‌دارند و رنگشان کدر نمی‌شود. هر تخته چرم، سه لیره قیمت دارد. پیش از این، سه رنگ متفاوت آنها را وارد می‌کردند: قرمز، بنفش و زرد لیمویی^{۴۷}.

پوست‌های مورد استفاده در جهان اسلام بیشتر پوست بز بود، اما از پوست گوسفند و گاو نیز استفاده می‌شد.^{۴۸} بررسی «لبه برگردان» جلد نسخه‌ها یعنی «لبه» تا شده روکش جلد به طرف داخل و چسبیده به لوح درون جلد^{۴۹}، اغلب برای تشخیص نوع چرم به کار رفته تعیین کننده است. با توصیف این چرم می‌توان ویژگی‌های دانه‌های پوست را تعیین کرد و به نام‌های مربوط به این نوع جلد در غرب دست یافت. اما، اگر کار انجام گرفته در غرب مطرح باشد، بهتر است از واژگانی استفاده کنیم که در آثار تخصصی به آسانی می‌توان به آنها دست یافت.^{۵۰}

آیا جلدسازان شرقی از پوست ماهی، یعنی از پوست سفره ماهی یا کوسه ماهی نیز استفاده می‌کرده‌اند؟ بر اساس یادداشتی در فهرست یک نمایشگاه، ممکن است جلد نسخه خطی استانبول، کتابخانه دانشگاه A. 6570، از جنس پوست کوسه ماهی باشد؛ اگر ساخت این جلد معاصر نسخه باشد (حدود سال ۹۵۷ هـ. / ۱۵۵۰ م.)، ممکن است به معنای کاربرد این فن پیش از ورود به غرب، در سده ۱۲ هـ. / ۱۸ م. باشد.^{۵۱}

^{۴۶} پوست‌های شهر ماری، ۳ لیره و ۱۰ استرلینگ قیمت داشت. نک: (J. Vezin, «Les reliures de la Bibliothèque du Roi sous Louis XIV, Louis XV et Louis XVI», *Revue française d'histoire du livre*, 37, 1982, p. 601).

^{۴۷} *Ibid.*

^{۴۸} به گفته ژ. مارسه و ل. پوان سو (*Objets*, t. I, p. 16). بیشتر جلد‌های قیروانی از میشن پوشیده شده‌اند. به عبارت دیگر از پوست [دباغی شده] گوسفند؛ اما، در جلد‌های دارای آرایه‌هایی با شیوه برجسته کاری با نخ، به طور خاص از پوست بز استفاده شده است.

^{۴۹} Muzerelle, *vocabulaire*, p. 185.

^{۵۰} موزرل در این مورد نظری اجمالی ارائه کرده است (*Vocabulaire*, p. 188-191, et fig. 326-333) و در کتاب نامه‌اندای کتاب خود (p. 26) به برخی آثار اشاره می‌کند که خواننده برای اطلاع بیشتر می‌تواند به آنها مراجعه کند.

^{۵۱} BERLIN 1988, p. 102, n° 29.

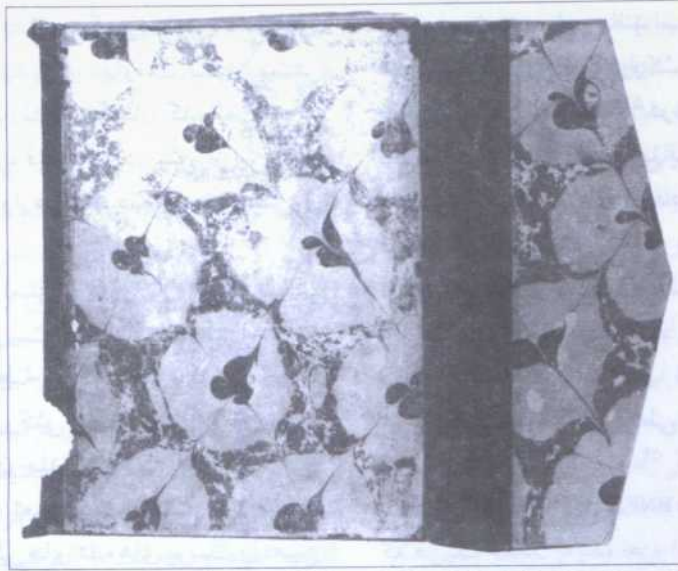
^{۵۲} F. Richard, *Cat. I*, p. 333.

^{۵۳} چاپ نشده.

^{۵۴} ۱. شیوخ، «سجل قدیم جامع القیروان»، مجله معهد المخطوطات العربیة ۲، ۱۹۵۶، ص ۳۶۳، ش ۸۶ «شش مجلد (سفر) [...] که یکی از آنها با ورق پوستی جلد شده است (مجلد بالرق)؛ حالت توصیف شده فوق احتمالاً بسیار متفاوت است (ص ۳۶۶، ش ۱۰۵؛ «چهل و سه جزو (دفتر) [...] مقصی بالرق»).

^{۵۵} Voir G. Vajda, *op. cit.*, et le ch. «Les cahiers des manuscrits» [در اصل کتاب].

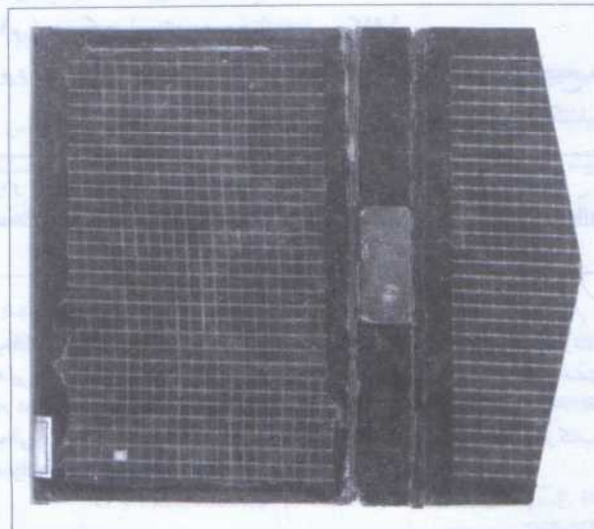
^{۵۶} A. Gacek, *op. cit.*, (*MME* 5), p. 109.



تصویر ۶: روکش جلد با کاغذ ابری و باد، (پاریس، BNF suppl. persan 1500)، دفة زیر.

کاربرد، تقریباً با آغاز دشواری‌های اقتصادی که امپراتوری عثمانی در آخرین مرحله از تاریخ خود با آنها دست به گریبان بود مصادف است؛ به نظر می‌رسد که به دلیل افزایش بهای چرم، کاغذ ابری جایگزین آن می‌شود، اما پسند رایج را نیز نباید از نظر دور داشت. در آسیای میانه و ایران، کاغذهای رنگی دارای سطح براق برای مصرف جلد از سده ۱۱ هـ./۱۷ م. به کار گرفته شد؛ این کاغذها مانند چرم، قابل نقش‌کوبی هستند.

ت ۶ تزیینی بوده‌اند. با این همه، نمونه‌های جلدی وجود دارد که در آنها از یک کاغذ بازیابی شده استفاده شده است؛ مانند نسخه مونیخ، کتابخانه ایالتی باواریا cod. turc. 229 که جلد آن صفحه‌ای پوشیده از سیاه‌مشق است.^{۵۷} در سرزمین‌های عثمانی، استفاده از کاغذ ابری در طی سده ۱۱ هـ./۱۷ م. به عنوان روکش جلد رواج یافت.^{۵۸} اغلب می‌توان آن را بر روی نیم‌جلدهایی با عطف چرمی مشاهده کرد.^{۵۹} ورود کاغذ ابری با این



تصویر ۷: روکش جلد از جنس پارچه (پاریس، BNF arabe 6080)، دفة زیر و بالک.

57 FRANCFORT, 1985, p. 110, n° I/92.

58 Voir le ch. "Les supports: le papier" [در اصل کتاب].

59 Voir par ex. CHICAGO, 1981, p. 218-219, n° 92.

از پارچه نیز برای روکش جلد استفاده می‌شده است.^{۶۰} به نظر می‌رسد که از دیرزمان از این ماده به کار می‌رفته است، چنانکه در متنی آمده است که در سال ۵۷۰ هـ. / ۱۱۷۴ م. صلاح‌الدین برای سلطان نورالدین محمود چندین نسخه قرآن را که به طرزی بسیار مجلل با پارچه ابریشمی (ساتن) روکش شده بود ارسال کرد.^{۶۱} جلدی از مجموعه قیروان، که ژرژ مارسه و لویی پوان سو آن را متعلق به سده ۴ هـ. / ۱۰ م. می‌دانند، دارای جلدی است که میان جلد چوبی و روکشی از ابریشم سبز دارد. لبه‌های این میان جلد به شکلی گرد شده‌اند که پارچه روکش را سوراخ نکنند.^{۶۱} این نمونه به اندازه قرآن‌های ایوبی مجلل نیست، اما اهمیت تاریخی آن به هیچ وجه کمتر نیست، زیرا اگر تاریخ تولید آن قطعی شود، قدیمی‌ترین شاهد برای کاربرد پارچه برای ساختن جلد یک تکه در قلمرو جهان اسلام است.

در سرزمین‌های عثمانی، در زمان حکومت محمد ثانی کاربرد پارچه برای روکش جلد افزایش یافت. شاید به دلیل تقاضای بسیار زیاد برای جلد، برای آنکه هم به این تقاضا پاسخ داده شود و هم بتوان [آرایه‌هایی مانند] تزیینات ضربی روی چرم را ارائه کرد.^{۶۲} با تأخیر زمانی بسیار زیاد، نسخه خطی استانبول TKS H. 1365 - کتابت شده در سال ۹۹۲ هـ. / ۱۵۸۴ م. - نمونه بسیار معروفی است که روکش ابریشمی جلد آن با گلابتون گلدوزی شده است.^{۶۳} مشابه این نمونه را در هنر دوره صفویه نیز می‌توان مشاهده کرد.^{۶۴} گلدوزی آرایه که گاه مستقیماً بر روی چرم انجام می‌شده است مدت‌ها پس از آن مطرح شد. هنگامی که روی دفته‌ای را پارچه می‌پوشاندند لبه‌های آن را معمولاً چرم می‌کرده‌اند که حالت یک قاب

را پیدا می‌کرد.

اما ترکیب چرم و پارچه بسیار متداول بود، و از سده ۷ هـ. / ۱۳ م. تا ۹ هـ. / ۱۵ م. جلدهایی که بیشتر در مصر تولید شده‌اند این کاربرد را نشان می‌دهند. روکش چرمی با آرایه‌ای تزیین می‌شد که به صورت طرح ملیله کاری بریده شده و روی زمینه‌ای ابریشمین قرار گرفته بود. نسخه پاریس، BNF arabe 5845، از اواخر سده ۸ هـ. / ۱۴ م.، یک جزء از قرآن است که به مجموعه‌ای بسیار مشهور تعلق دارد.^{۶۵} و دارای جلدی است که تزیین مرکزی و گوشه‌بندهای آن از چرم بریده شده که روی زمینه‌ای از ابریشم سبز قرار گرفته، ساخته شده است. این نوع تزیین بر روی نسخه‌ای معاصر از قرآن، در پاریس، BNF Smith-Lesououf 220 دیده می‌شود، اما با یک زمینه آبی فیروزه‌ای.^{۶۶} مجلدات گرانبهار و روکش پارچه‌ای داشته‌اند، مانند نسخه‌های خطی مریدان حلاج و نیز قرآن‌های منسوب به خلیفه عثمان که یکی از آنها در دمشق نگهداری می‌شود، و دیگری در مراکش - که پیش از آن در قرطبه بوده است.^{۶۷}

فلزات، سنگ‌ها و کارمایه‌های گرانبها، مینا

استفاده از کارمایه‌های گرانبها برای روکش جلد، خیلی زود در جهان اسلام پدیدار شد. در اینجا منظور چفت و بست و گل میخ‌هایی که گاهی در جلد‌های قاب‌دار دیده می‌شوند و ممکن است واقعاً از جنس نقره باشند نیست.^{۶۸} این‌ها تنها ضمایم جلد هستند و از موضوع مورد نظر مایعنی کارمایه‌های روکش جلد بسیار دورند. شاید این حکایت که در کتابی ادبی آمده است راست باشد: در کتاب الوزراء جهشیاری [د. ۳۰۱ هـ. / نقل شده که یکی از کاتبان معاویه بن ابی سفیان اموی (حک: ۴۱-۶۱ هـ. / ۶۶۱-۶۸۰ م.) قرآنی داشت که جلد آن سیمین بود و چون به سختی گرفتار آمد، آن را بفروخت.^{۶۹} و نیز، همچنان به

60 Th. Arnold et A. Grohmann, *op. cit.*, p. 32 et n° 143.

61 G. Marçais et L. Poinssot, *objets*, t. I, p. 142, n° 63 bis.

62 J. Raby et Z. Tanindi, *Turkish bookbinding in the 15th century. The Foundation of an Ottoman court style*, Londres, 1993, p. 65 et 217.

63 ISTANBUL 1983, p. 184-185, n° E. 124; FRANCFORT 1985, 2, p. 60, n° 1/18 a et pl. XII.

^{۶۴} ایرج افشار، صحافی سنی، تصویر ۹.

65 F. Déroche, *Cat. I/2*, p. 54-55, n° 346 et pl. XI A (cf. les mss Dublin, CBL 1474 et Chicago, Oriental Institute A 12159).

66 F. Déroche, *Cat. I/2*, p. 58, n° 352 et pl. XII A.

67 Th. Arnold et A. Grohmann, *op. cit.*, p. 32 et n. 79 et 144; A. Dessus Lamare, « Le muşhaf de la mosquée de Cordoue et son mobilier mécanique », *JAI* 130, 1938, p. 554 et 566.

^{۶۸} در مثال یاد شده در صفحات پیشین، درباره قرآن‌های اهدایی صلاح‌الدین، گفته می‌شود که چفت و بست از طلا (یا مطلقاً؟) داشته است.

69 J. Latz, *Das Buch der Wezire und Staatssekretäre von Ibn 'Abdūs al-GāhSiyyārī, Anfänge und Umayyadenzeit* (Beiträge zur Sprach- und Kulturgeschichte des Orients, 11), Walldorf - Hessen, 1958, p. 79.

نقل از متون، مصحف منسوب به خلیفه عثمان که در قرطبه نگهداری می شده مزین به جلدی با آرایه‌های باشکوه از طلاست که با مروارید و یاقوت زینت یافته است که پس از انتقال آن به مراکش، در زمان حکومت المهدی عبدالمومن، حدود ۵۵۳ هـ / ۱۱۵۸ م. دارای جلد جدیدی از طلا و نقره مزین به «رنگ‌های شیشه‌ای بیزانسی» بود که بدون شک همان میناکاری است.^{۷۰} به نظر می‌رسد چنین آثاری بیشتر زرگری باشد تا جلدسازی به معنای کلاسیک آن.

تا آنجا که ما می‌دانیم، نمونه‌ای بدین قدمت باقی نمانده است. روزگار عثمانی‌ها از اسناد و مدارک بسیاری فراوان آکنده است، زیرا از این دوران، جلد‌های بسیاری ساخته شده از فلزات گرانبها باقی مانده است؛ با این همه، اگر این نظر آرمناگ ساکیسیان (Arm énağ Sakisian) صحت داشته باشد که صد و سی قرآن با جلد مزین به سنگ‌های گرانبها در میراث رستم پاشا وجود داشته است، پس تعداد بسیاری از آنها احتمالاً از میان رفته است.^{۷۱} موزه تویقایی، سیاهه‌ای از این گونه جلد‌ها را برمی‌شمارد که در آنها سنگ‌های گرانبها یا نه چندان گرانبها به کار رفته است.^{۷۲} به کاربردن مواد غیر معمول نشان‌دهنده گستره وسیعی از امکانات است، مانند جلد‌های نسخه‌های استانبول، کتابخانه دانشگاه، F. 1426 - که لاک لاک پشت، روی ورقه‌های فلزی سوار شده^{۷۳} - و نسخه دوپلین CBL 1578 به تاریخ ۱۲۶۱ هـ / ۱۸۴۵ م. - که در آن نقره، مینا و عاج با هم به کار رفته است.^{۷۴}

چوب

نمونه دوم یادآور خاتم‌کاری به عنوان یکی از روش‌های تزئین جلد است. در پی، فریدریش سار (Sarre Friedrich)، تاکنون چندین بار تکه‌های نگهداری شده در برلین به عنوان بقایای جلدی بزرگ با تزئینی از نوع معرق معرفی شده است.^{۷۵} این تکه‌ها در واقع قطعاتی از یک جعبه چوبی بوده‌اند؛ در هر حال وزن آنها، برای آنکه بتوانند به عنوان جلد به کار بروند، بسیار مهم است، زیرا، همان‌طور که خواهیم دید، در فن جلدسازی اسلامی - عربی، برای استحکام اتصال میان دسته جزوها و میان جلد‌ها، شیوه‌های مطمئنی وجود نداشته است. در این مورد می‌توان به دو نسخه میلان، کتابخانه امبروزیانا H144,145 اشاره کرد که میان جلد‌های چوبی آنها روکش ندارند؛ پژوهش در این زمینه، امکان آن را فراهم می‌آورد که بدانیم آیا در دوره‌های قدیم میان جلد‌های بدون روکش جلد واقعاً وجود داشته است یا خیر.^{۷۶}

رنگ و روغن (لاک)

رنگ و روغن رایج‌ترین فن برای تزئین میان جلد مقوایی بوده است.^{۷۷} البته همیشه بدین صورت نبوده است؛ نمونه‌های بسیار قدیمی، مانند جلد نسخه استانبول TKS A.1672 که در ۸۷۳ هـ / ۱۴۶۸ م. نسخه برداری شده است،^{۷۸} نشان می‌دهند که صنعتگران آرایه رنگ و روغن را بر روی چرمی که میان جلد را می‌پوشاند نقش می‌کردند.^{۷۹} این روش، شاید به دلیل دشواری‌هایی که

70 A. Dessus Lamare, *op. cit.*, p. 563.

71 A. Sakisian, *op. cit.*, (52, 1927), p. 151.

^{۷۲} نمایشگاه‌های بسیاری امکان شناسایی بهتر چنین موادی را فراهم می‌آورد:

ISTANBUL, 1983, p. 230-235, n^{os} E. 199-E. 202 et E.204; FRANCFORT, 1985, p. 105, n^o 1/86 b; BERLIN, 1988, p. 102-104, n^{os} 30-31; VERSAILLES, 1999, p. 281-282, n^{os} 241-242.

مجموعه جستریتی دارای قرآن‌های بسیار کوچک ایرانی است که در جعبه‌های ساخته شده از فلزات و سنگ‌های گرانبها یا نه چندان گرانبها نگهداری می‌شوند. (D. James, *Q and B.*, p. 137 n^o 114, sans cote). جلد‌های مشابهی نیز بدون شک، در دیگر نقاط جهان اسلام ساخته شده است؛ نمونه‌ای معاصر، جلد قرآن مغربی استانبول است. TKS 2/2903. به تاریخ ۱۵۷۲ م. - انتساب آن مورد بحث است - که اختصاص به مغرب دارد. (VERSAILLES 1999, p. 280-281, n^o 240).

73 BERLIN 1988, p. 134, n^o 55a.

74 D. James, *Q and B.*, p. 136, n^o 113 (A. J. Arberry, *op. cit.*, p. 69-70, n^o 222).

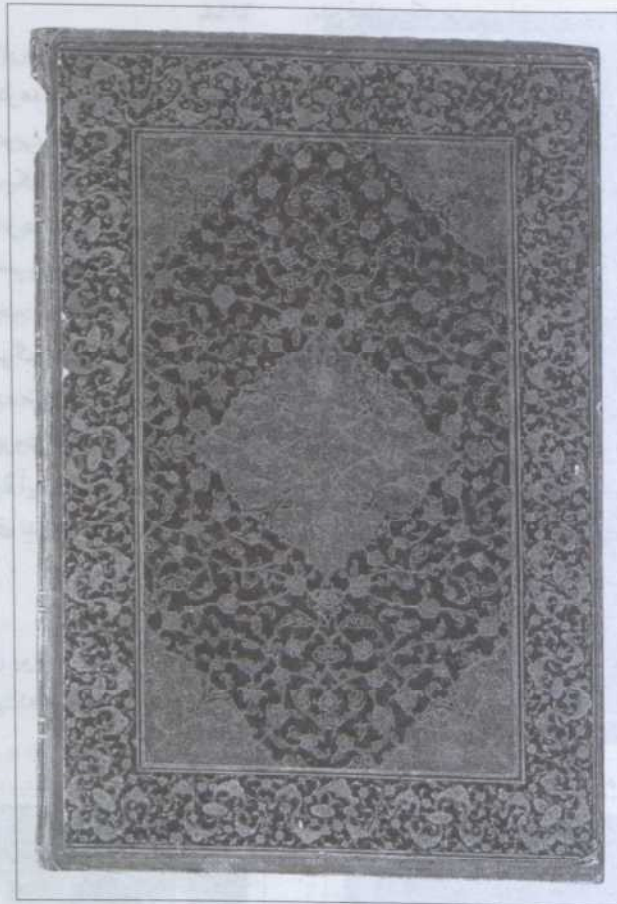
75 F. Sarre, *Islamische Bucheinbände*, pl. I; Th. Arnold et A. Grohmann, *op. cit.*, p. 33-34 et fig. 16; J. Pedersen, *The Arabic book*, p. 104 et pl. 20-21. D. Haldane (*Bookbindings*, p. 11) la signale encore.

^{۷۶} ده‌الدین (*Bookbindings*, p. 189, n^o 175) جلدی را از آلبوم عکسی که حوالی سال ۱۹۰۰ م. در کشمیر تهیه شده است، معرفی می‌کند (Londres, Victoria and Albert Museum 1763-1951)؛ در این کتاب، چوب کنده کاری شده میان جلد، پرنده‌ای را در زمینه گل و گیاه نشان می‌دهد. مشابه این مواد ممکن است در دیگر کارهای سستی مثلاً در جلد‌های تبتی دیده شود؛ اما چنین جلد‌هایی در میان نسخه‌های به خط عربی شناسایی نشده‌اند.

77 J. Raby et Z. Tanindi, *op. cit.*, p. 154-155, n^o 18.

^{۷۸} به نظر می‌رسد این روش، که از نمونه‌های ساخته شده در هرات اندکی قدیمی‌تر است، عثمانی باشد.

(Cf. N. D. Khalili, B. W. Robinson et T. Stanley, *op. cit.*, p. 232).



تصویر ۸: جلد روغنی (لاکی)، نسخه برداری احتمالاً در هرات، حدود ۹۰۰ هـ / ۱۵۰۰ م. (پاریس، BNF persan 357)، دفة زیر.

چند رنگی در ابتدای سده ۱۰ هـ / ۱۶ م. پدیدار شد و تا دوره معاصر ادامه یافت.

آستر

آستر برای پوشاندن لوح درون جلد، به منظور بهتر کردن ظاهر آن و نیز برای محکم تر کردن اتصال میان جلد و دسته جزوها به کار می رود. آستر در واقع، اغلب به دو طرف روی لولای درون (محل اتصال دفة و تنه مجلد^{۷۹}) چسبانده می شود و بدین طریق جلدی که صحاف نصب کرده است کامل می شود. کم نیستند نسخه‌هایی که در این قسمت مرمت شده‌اند.

داشت، ماندگار نشد. قدیمی ترین جلد های روغنی، با ساختار کلاسیک، متعلق به اواخر سده ۹ هـ / ۱۵ م. است (ت ۸)؛ این جلد ها در دربار حسین میرزا، در هرات (حک. ۸۷۳ هـ / ۱۴۶۹ م. - ۹۱۱ هـ / ۱۵۰۶ م. ۷۹) ساخته شده اند و از نظر آرایه، بیشتر به تذهیب یا مینیاتور شباهت دارند تا به جلد stricto sensu. تزئینات به صورت نقاشی انجام شده است؛ شیوه ای که در آن زراندودکاری باز مینه ای سیاه - حتی گاه با صدف کاری^{۸۰} - تلفیق شده است شاید مربوط به نخستین تجربه ها باشد، اما موفقیت آن هرگز با موفقیت آرایه های چند رنگی برابر نبوده است.^{۸۱} آرایه های

79 Cf. N. D. Khalili, B. W. Robinson et T. Stanley. *op. cit.*, p. 16-17, avec renvoi aux mss Dublin, CBL 155 (de 1478), Istanbul, TKS H 676 (de 902/1496-1497) et E. H. 1636 (de 897/1492).

80 Ms Istanbul, TKS H. 676, de 902/1496-1497 (cf. O. Aslanapa, «The art of bookbinding», dans B. Gray éd. *The arts of the book in Central Asia*, Londres /Paris, 1979, pl. XVII.

(برخلاف آنچه معرفی شده است، در این مورد، دفة زیر دارای سر طبله است).

^{۸۱} آرایه های زراندود در زمینه سیاه که در سه نمونه جلد بالا اشاره شده، احتمالاً در حدود نیمه های قرن ۱۶ م. دیگر مورد توجه عموم نبوده است؛ این فن تا سده ۱۳ هـ / ۱۹ م. در ایران کاربرد داشته است، اما به صورت پراکنده. با این همه ن. د. خلیلی، ب. و. رایبسون و ت. استنلی اعتبار این فن را در سرزمین های عثمانی رد نمی کنند (p. 18). *op. cit.*

82 D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 184.



ورق پوستی

در جلدهای قاب دار، اغلب از ورق پوستی به عنوان آستر میان جلد استفاده می شود؛ در این حالت، ورق یا تکه ورقه‌ای که به میان جلد چوبی می چسبد معمولاً دو نقش دارد؛ علاوه بر این که یک آستر معمولی است، در استحکام اتصال میان جلد و دسته جزوها نقش دارد، زیرا انتهای آن به اولین یا آخرین جزو می پیوندد. گاه نیز نصف یک دو ورقه نسخه خطی به صورت آستر در می آید، اما بیشتر اوقات برگ های نسخه های خطی بی استفاده بار دیگر به کار برده می شود. در نسخه خطی استانبول TIEM SE 2196، بر روی ورق پوستی که روی میان جلد چوبی چسبانده شده آیات قرآن نوشته شده و حتی آن آیات را از روی ورق تراشیده اند.^{۸۳}

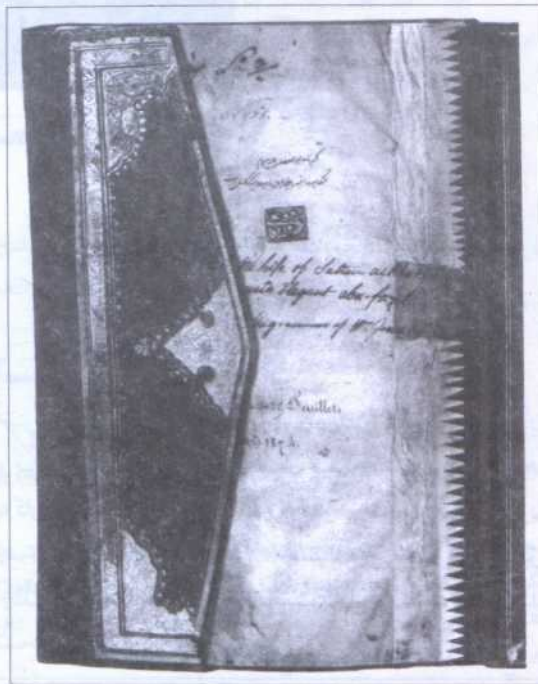
چرم

چرم های بسیار ظریف برای پوشاندن لوح درون جلد استفاده می شد. به گونه ای که لبه های چرم از زیر

بدرقه ای که روی آن چسبیده است اندکی بیرون می زند. این لبه ها به دلخواه به شکل دالبر یا شکل های دیگر بریده می شوند.^{۸۴} در نمونه های قرن ۹ هـ / ۱۵م. ت ۹ گرایشی به رنگ قهوه ای سوخته دیده می شود، در حالی که در دوران عثمانی، بیشتر به رنگ قرمز کلاسیک که برای نمونه در قرآن پاریس، BNF arabe 5839، مشاهده می شود، تمایل وجود دارد.^{۸۴} گاه چرم فاقد آرایه بوده است. اگر برعکس صنعتگر یا سفارش دهنده در نظر داشت که چرم تزیین شود می توانست از شیوه های مختلف، مثلاً روش به کار رفته برای لوح ها^{۸۵} و یا با استفاده از چرم دارای نقش سرد، یکی را برگزیند.^{۸۶} ت ۱۰ چرم دارای نقش سرد مشخصه ویژه تولیدات جهان اسلام در دوره قرون وسطی است؛ در این شیوه به کمک یک مهر چوبی که روی آن نقش مورد نظر کنده شده بود، یک آرایه مکرر را بر روی یک پوست بسیار نازک، معمولاً به رنگ قهوه ای، به صورت پی در پی ضرب می کردند.^{۸۶} به نظر می رسد که قالب را با ماده ای رنگی



تصویر ۱۰: آستر از جنس چرم فشرده، نسخه برداری در بیست در سال ۱۱۱۲ هـ / ۱۷۰۵ م. (پاریس، BNF arabe 6041)، لوح درون.



تصویر ۹: آستری که انتهای آن روی برگ اول به صورت زیگزاگ بریده شده است. (پاریس، BNF suppl. persan 278 A, f. 1).

83 F. Déroche, «Quelques reliures médiévales de provenance damascaine», *REI* 54, 1986, p. 89. Voir également G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 65, n. 4. (particulier a la reliure n° 33, p. 104).

84 F. Déroche, *Cat.* I/2, p. 63-64, n° 363.

۸۵ نمونه های بسیاری در اثر زیر نشان داده شده است:

D. Haldane, *Bookbindings* p. 145, n° 133, p. 148, n° 135 ou encore, p. 158-159, n° 148.

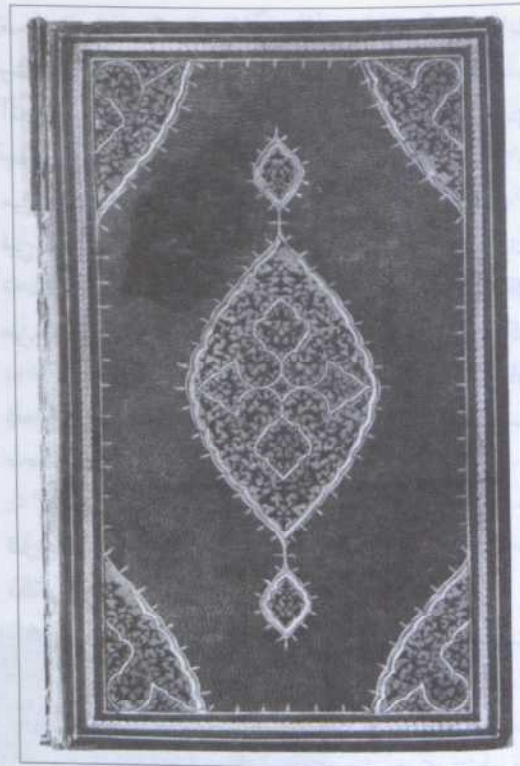
۸۶ جلد نسخه Chicago, Or. Inst. A 12108 استثنای قابل توجهی است که آستر آن چرم نقش سرد شده و به رنگ سبز است (CHICAGO 1981, p. 164-166)

کاغذ

طرز ساخت جلد و به ویژه اهمیت بدرقه در استحکام نهایی از دلایل توجه به کاربرد کاغذ بر روی لوح های درون است. این کاغذ چه از جنس کاغذ به کار رفته در جزوها باشد و چه متفاوت با آن، کیفیتی داشت که قابل انکار نیست. برای نمونه، در سرزمین های عثمانی، کاغذهای ابری مدت ها به عنوان آستر جلد مورد استفاده قرار می گرفتند؛ کاغذهای رنگی با تزیینات زراندود نیز با این کاربرد مشاهده شده اند. همچنین گاهی کاربرد کاغذ به یک بخش کاملاً مشخص از آستر محدود است؛ مانند آرایه های نقش مليله که روی کاغذ انجام می شد، سپس روی زمینه ای از کاغذ رنگی چسبانده می شد و آنگاه در داخل شکافی که بدین منظور در چرم ایجاد می شد قرار می گرفت.^{۸۷}

پارچه

در مجموعه قیروان، نخستین نمونه های شناخته شده از کاربرد ابریشم - سبز^{۹۲} - برای آستر کردن جلد، مشاهده می شود؛ در سده ۵ هـ. ۱۱ م. روی ورق پوستی پارچه کشیده می شد و همه لوح درون را می پوشاند.^{۹۳} این عمل دوام چندانی نداشت. به نظر می رسد، پس از مدتی کاربرد پارچه کاستی گرفت، مانند زمینه نقش مليله. اواخر سده ۹ هـ. ۱۵ م. روکش پارچه بار دیگر در سرزمین های عثمانی مورد توجه قرار گرفت: استفاده از پارچه گاه محدود به داخل جلد است، اما در نسخه های بسیاری روکش جلد و آستر از جنس پارچه است، خواه از یک پارچه، مانند نسخه استانبول^{۹۴} TKS A. 3296، خواه از دو پارچه متفاوت - برای مثال، نسخه استانبول، TKS A. 3438.^{۹۵} همچنین باید به نسخه استانبول، TKS R. 880، مورخ ۸۸۵ هـ. ۱۴۸۱-۱۴۸۰م اشاره کنیم که دارای آستری از جنس ابریشم با نوارهایی دارای متن است.^{۹۶}



تصویر ۱۱: آستر از چرم و کاغذ. پاریس، BNF persan 282، درون جلد رو.

اندکی می آغشته اند، به گونه ای که به زمینه، رنگی تیره تر از رنگ خود نقش می داده است.^{۸۷} این آرایه ها که معمولاً بی رقم هستند اغلب با اسلیمی همراهند؛^{۸۸} بیشتر اوقات یک ساختار مکرر بسیار منسجم، ساختار کل طرح را تعیین می کند.^{۸۹} متن به ندرت دیده می شود؛ در این مورد، می توان به یک مجلد قرآن اشاره کرد که دارای رقم جلد ساز است (پاریس، BNF arabe 6041^{۹۰})، و نیز نسخه های بورسه، کتابخانه اینی بی (Inebey Kütüphanesi)، جامع کبیر 315,318,324، عمومی، ۹31- که همه به یک دسته تعلق دارند - و نمونه ای از کتابه ها (مدحیه، رقم و نشان مالکیت) را می توان در آنها یافت.

87 CHICAGO 1981, p. 66.

88 Voir par ex. D. Hadane, *Bookbindings*, p. 22, n° 1, p. 24-25, n° 2, p. 26-27, n° 3; CHICAGO 1981, p. 130-135, n° 35-36, p. 141-142, n° 41, p. 153, n° 48, p. 172, n° 58, et pl. coul. H, p. 175-176, n° 61.

89 CHICAGO 1981, p. 96-98, n° 9.

90 F. Déroche, *Cat. I/2*, p. 121, n° 522.

91 J. Raby et Z. Tanindi, *op. cit.*, p. 120-125, n° 4.

92 G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 142, n° 63 bis (بر روی لوح درون جلد ابریشم صورتی دیده می شود)

93 Voir G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 181, 183, 185, 186, etc.

94 J. Raby et Z. Tanindi, *op. cit.*, p. 150, n° 14, ill. p. 152.

95 J. Raby et Z. Tanindi, *op. cit.*, p. 176-177, n° 28.

96 J. Raby et Z. Tanindi, *op. cit.*, p. 180-181, n° 30.



رنگ و روغن (لاک)

داخل جلد نیز ممکن است مانند روی جلد با روش رنگ و روغن (لاک) آراسته شود (نک: به صفحات قبل).

ته دوزی

در این مورد، باید اذعان داشت که پژوهش‌ها هنوز در آغاز راه‌اند. به نظر می‌رسد در همه رساله‌های جلدسازی یک نوع دوخت زنجیره‌ای یک سوزنه بیان گردیده است که در آن برای دوخت تمام مجلد فقط از یک تکه نخ استفاده می‌شده است. برای این کار، در ته هر جزو دو سوراخ ایجاد می‌کرده‌اند: هر بار که نخ از یک سمت به سمت دیگر از داخل جزو می‌گذرد و از پشت جزو خارج می‌شود، صحاف نخ را دور محل عبور آن تا محل ورود به جزو قبلی حلقه می‌کند و سپس نخ را وارد سوراخ قرینه جزو بعدی می‌کند. همان‌طور که گ. بوش (G. Bosch) و گ. پیتربریج (G. Petherbridge) نشان داده‌اند این روش اغلب بدون در نظر گرفتن قطع و وزن کتاب به کار می‌رفته است.^{۹۷} به همین دلیل دوخت شیرازه ضرورت دارد. با وجود این، در یک متن فارسی به دوخت دو سوزنه (؟) اشاره شده است.^{۹۸}

در رساله‌های جلدسازی بر استفاده از نخ‌های نازک تأکید شده است تا برآمدگی حاصل از عبور نخ در جزوها به حداقل برسد. این پیش‌بینی موجب می‌شود که تلاش لازم برای برابر ساختن قطر جزوها و از میان بردن آنچه ممکن است شبیه به شانه عطف شود کمتر گردد. عیب این گونه نخ‌ها مقاومت اندک آنهاست که موجب پارگی آنها می‌شود.

شیرازه

در جلد‌های غربی، شیرازه یک «دوخت تقویتی است که با یک یا چندین رشته نخ مستقل از نخ ته دوزی، و معمولاً رنگی، روی رشته‌ای فرعی در دو طرف تنه

مجلد انجام می‌گیرد».^{۹۹} در جلد‌های شرقی* ظاهراً این رشته فرعی مورد توجه نبوده است، زیرا با این عنصر آشنا نبوده‌اند؛ شیرازه بر روی نوار باریکی از جنس چرم یا ورق پوستی ساخته می‌شد و بدون اتصال به میان جلد‌ها، روی کناره‌های مجلد قرار می‌گرفت.^{۱۰۰} این نوار ابتدا با نخهایی هم‌رنگ با نخ‌هایی که برای ته دوزی جزوها به کار رفته است در جای خود محکم می‌شود؛ روی این بخیه‌ها، صحاف با نخ‌های دو رنگ، به شکل پراق سر دست، سوزن دوزی می‌کند.^{۱۰۱} شیرازه فقط جنبه تزئینی ندارد؛ بلکه عنصری برای انسجام بیشتر مجلد است.

تزیینات لوح

نقش کوبی

نقش کوبی از دیرباز رایج‌ترین فن آرایش جلد بوده است. در این فن صنعتگر از ابزارهایی استفاده می‌کند که بر روی آنها آرایه‌هایی یا بخش‌هایی از آرایه‌ها به صورت برجسته یا کنده کاری شده حک شده است که [نقش آن] با کوبیدن چکش چوبی یا با فشار دستگاه، روی سطح



تصویر ۱۷: شیرازه شرقی. (پاریس، BNF ffarabe 4818)

97 CHICAGO 1981, p. 46.

^{۹۸} به نقل از: Y. Porter, *Peinture et arts du livre*, p. 119 (متن روشن نیست؛ امکان دارد منظور زنجیره‌ای از دو جزو باشد؛ نک:

(D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 180

^{۹۹} D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 181 نک: به توصیفی که سفیانی در این مورد دارد، (trad. M. Levey, *op. cit.*, p. 53-54) *op. cit.*, p. 17-18

^{۱۰۰} برخی جلد‌های قدیمی قرآن، از گونه نخست، دارای روشی با اندکی تفاوت هستند (نگاه کنید به پایین).

101 *Les tranches brodées*, Paris, 1989, p. 86-89; Également CHICAGO 1981, p. 53-54.

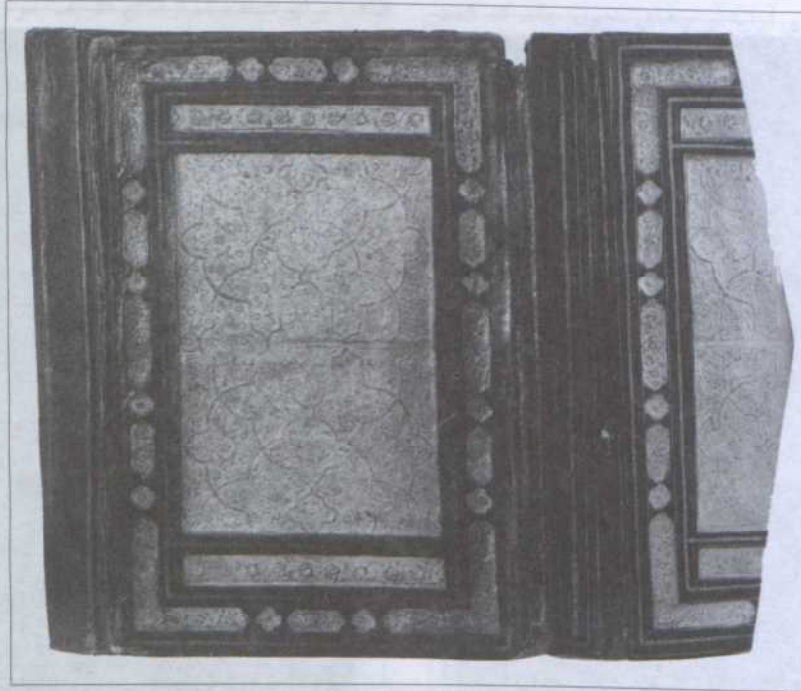
یا کلیشه طرح‌ها از جنبه زمانی با اهمیت است که در صفحات بعد بدان خواهیم پرداخت. به گفته ساکیسیان، قالب‌هایی که در ایران به کار برده می‌شد در ابتدا از جنس چرم سخت شده بود و تنها مدت‌ها بعد کلیشه‌های فلزی مانند کلیشه‌هایی که اکنون در مجموعه‌های گوناگون نگهداری می‌شوند جای آنها را گرفت.^{۱۰۶}

پس از آن که کاربرد قالب نقش‌های بزرگ عمومیت یافت یعنی در طول نیمه دوم قرن ۹ هـ/۱۵ م.، نقش کوبی گاه با مقدماتی همراه بود که برای بهتر کردن نتیجه عمل در نظر گرفته می‌شد. جلدسازان عثمانی در پی افزایش اثر نقش برجسته‌هایی بودند که به وسیله کلیشه‌ها بر روی میان‌جلدها نقش می‌شد و زمینه آرایه

چرم ضرب می‌شود.^{۱۰۲} هنگامی که در نقش کوبی از زراندودکاری استفاده نشود، حتی اگر هنگام کار قالب نقش‌ها را داغ کنند، اصطلاحاً به آن «سرد» گفته می‌شود.^{۱۰۳} زراندودکاری (نگاه کنید به صفحات قبل) اغلب همراه با نقش کوبی در جلدهای شرقی به کار برده شده است.

در جهان اسلام، ابزارهای مورد استفاده برای ضرب کردن روی چرم، نقش‌هایی را در اندازه‌های متفاوت ایجاد می‌کرده است: این ابزار ممکن بود دارای نقش مایه‌ای در اندازه کوچک^{۱۰۴} یا نقشی در اندازه بزرگ باشد.^{۱۰۵} در حالت نخست، صنعتگر چندین قالب نقش را با هم ترکیب می‌کرد تا یک آرایه به دست آید، در حالت دوم، او می‌توانست سطحی وسیع را در یک مرحله بیاراید؛ به کاربردن قالب نقش‌های کوچک

ت ۱۳ و ۱۲ ←



تصویر ۱۳: کلیشه نقش بزرگ (پاریس، BNF Smith - Lesouef 218) دفة رو.

- ^{۱۰۲} «نقش کوبی: ضرب آرایه غیر مذهب بر روی پوست به کمک قالب نقش یا کلیشه نقش» (D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 198).
- ^{۱۰۳} «سرد: بدون زراندودکاری (که ربطی به استفاده از ابزار داغ ندارد)» (D. Muzerelle, *Vocabulaire* p. 198). در ایب هولس (op. cit., p. 18-19) عقیده دارد که کیفیت چاپ روی جلد صنعا C/6 متعلق به سده ۳ هـ/۹ م تنها از راه استفاده از قالب نقش‌های داغ امکان دارد. اشیبیلی داغ کردن قالب نقش‌ها و سرد کردن آنها را در آب شیرین توصیه می‌کند (A. Gacek, op. cit. (MME 5), p. 110).
- ^{۱۰۴} قالب نقش کوچک: «قالب نقش‌های کوچک که لازم است تکرار شوند یا با دیگر نقش‌ها ترکیب شوند تا یک آرایه را شکل دهند.» (D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 199).
- ^{۱۰۵} «قالب نقش بزرگ، بدون دسته است و به کمک فشار دستگاه، نقش آنها را ضرب می‌کنند.» (D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 200).

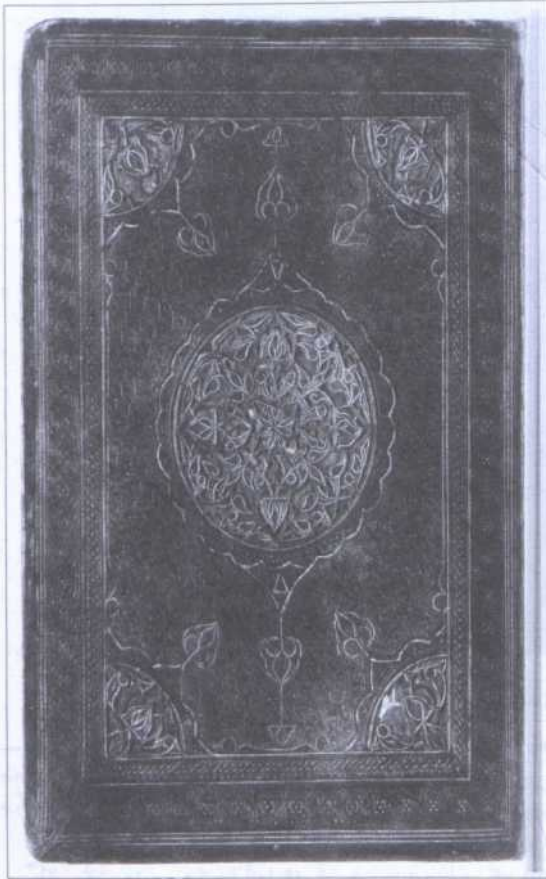
106 A. Sakisian, «la reliure persane au xv^e siècle sous les Timourides», *Revue de l'art ancien et moderne*, 66, 1934, p. 148;

D. Haldane, *Bookbindings*, برخی نمونه‌های دیگر قالب نقش‌ها در موزه‌های اروپایی (مانند موزه ویکتوریا و آلبرت در لندن، نک. p. 12-15, fig. 9-17 یا موزه لیندن اشتوتگارت) نگهداری می‌شود، کارگاه‌های مرمت کتابخانه سلیمانیه - و بی شک دیگر کارگاه‌ها - دارای قالب نقش‌هایی قدیمی هستند که باید بهتر شناخته شوند. نیز نگاه کنید: CHICAGO, 1981, p. 70, fig. 11 et p. 72, fig. 13.

به صورت گودشده مشاهده می‌شد (نگاه کنید به صفحات قبل)؛ جلدساز پیش از نقش کوبی بر روی روکش چرم، یک لایه ضخیم از چسب را در محل آرایه [بر روی میان جلد] قرار می‌داد و به این ترتیب، نقش برجسته بر روی چرم واضح‌تر نمایان می‌شد.^{۱۰۷} همچنین در برخی موارد، ورقه‌ای نازک از چرم یا کاغذ را که به رنگی متفاوت با رنگ روکش از قبل دقیقاً به اندازه کلیشه‌ها بریده بودند در محل قرار گرفتن آرایه نصب می‌کردند تا تضاد رنگ حاصل شود.

عنوان یا شماره مجلد - هنگامی که کتاب دارای چند جلد باشد - گاهی روی جلد نشان داده می‌شده، و نه بر روی عطف، چنانکه در اغلب موارد دیده

می‌شود. این نشانه‌ها گاهی اوقات بر روی نمونه‌های به‌طور خاص برجسته نقش شده است؛ مجلدات مختلف دو قرآن چند جلدی مغربی، قرآنی که قبلاً پروسپر ریکار (Prosper Ricard) منتشر کرده بود،^{۱۰۸} و دیگری نسخه پاریس، BNF arabe 389-392، که روی سرطبله آن، در داخل یک قاب تزئینی، شماره‌های جلد به حروف (الاول، الثانی و غیره) آمده است؛ آیه‌ای از قرآن (س ۵۶، آیه ۷۹) و همچنین متون طولانی‌تر نیز به صورتی بسیار مناسب روی قرآن‌ها^{۱۰۹}، نقش شده است که در صفحات بعد بدان خواهیم پرداخت.



تصویر ۱۵: شبکه کاری با چرم روی زمینه پارچه‌ای، پایان سده ۸هـ/۱۴م، (پاریس، BNF arabe 5845)، دفة رو.



تصویر ۱۲: کلیشه نقش بزرگ، یا آرایه‌های جانورسازی (کرفت و گبر)، (پاریس، BNF persan 985)، دفة زیر.

¹⁰⁷ A. Sakisian, *op. cit.*, (51, 1927), p. 278, n. 5; J. Raby et z. tanindi, *op. cit.*, p. 216.

¹⁰⁸ «Reliures marocaines du XIII^e siècle, Notes sur des spécimens d'époque et de tradition almohades», *Hespéris*, 17, 1933, p. 109- 126 ; به مجلداتی که پ. ریکار (P. Ricard) در مراکش معرفی کرده است باید مجلد ششم، در کتابخانه سلطنتی ریاط، (Vente M^e le Blanc, Paris 26، février 1990, lot n° 80) و مجلد هفتم، نسخه لندن، 13192 BL Or. (M. Lings et Y. H. Safadi, LONDRES 1976. p. 89, n° 158) را افزود؛ مجموعه شخصی بروشه تینی (Bruschettini) را افزود؛ هشتم در جنوا، (Vente M^e Couturier et Nicolay, Paris, 27 juin 1975, lot n° 156).

¹⁰⁹ برای نمونه‌ای قدیمی نک. CHICAGO, 1981, p. 207, n° 82.

شبکه کاری

روش شبکه کاری با چرم از گذشته های دور شناخته شده بود: ^{۱۱۰} برخی قسمت های چرم را به صورت مشبک می بریدند و خالی می کردند و به این ترتیب شبکه ای که برجای می ماند آرایه ای را به وجود می آورد که با الصاق زمینه ای رنگی از جنس پارچه یا کاغذ در زیر آن بسیار واضح نمایش داده می شد. ^{۱۱۱} بسیاری از جلد های مملوکان نشان دهنده ظرافت های این شیوه اند: روی جلد قرآن پاریس، BNF arabe 5845، نقش مایه مرکزی و گوشه بند های لوح ها با این اسلوب ساخته شده اند و این آرایه بر روی زمینه ای از ابریشم سبز قرار گرفته است. ^{۱۱۲} کاغذ نیز برای شبکه کاری در منبت کاری به کار می رفته است، به ویژه برای آرایه لوح های درون جلد که کمتر در معرض ساییدگی قرار می گرفتند و از این رو امکان استفاده از کارمایه هایی با مقاومت کمتر وجود داشته است. ^{۱۱۳}

ت ۱۵

ت ۱۱

شبکه کاری در یکی دیگر از فنون ساخت آرایه نیز به کار می رود: منظور جلد های معرق کاری شده است ^{۱۱۴} که یک نمونه منحصر به فرد از آن، تا آنجا

که ما اطلاع داریم، شناخته شده است. ^{۱۱۵}

روش های دیگر آرایش جلد

قلم کئی

این که صحافان مسلمان با فن قلم کئی ^{۱۱۶} آشنا بوده اند یا نه، پیش از این بحث های داغی را ایجاد کرده است: ساکسیان که نامش یادآور این مباحثات است می نویسد که ل. گروئل (L. Gruel) به او «به صراحت عدم وجود جلد های قلم کئی شده اسلامی را یادآور شده است» ^{۱۱۷}. صنعتگران جهان اسلام روشی را می شناخته اند که عبارت بوده است از شکاف دادن سطح چرم با ابزاری نوک تیز. این شیوه که بر روی جلد های سده ۹۳ هـ. ق. و ۹۴ هـ. ق. مشاهده می شود ظاهراً برای ایجاد شیار های ظریف موازی که زمینه را تشکیل می داده اند یا یک عنصر تزئینی را پر می کرده اند استفاده می شده است: ^{۱۱۸} در برخی نمونه ها دو شبکه شکاف یکدیگر را قطع می کنند و لوزی های کوچکی را شکل می دهند. شاید بهتر باشد این روش را با روشی دیر هنگام تر که در آن زمینه آرایه پوشیده از نقطه های نزدیک به هم است مقایسه کرد؛ این نقطه ها گاه با آب

^{۱۱۰} در محدوده کتاب، قدیمی ترین نمونه از آن، تکه ای از جلد یافت شده در آسیای میانه، در خوچو است (تکه ای که آ. فون لوکوی A. von Le Coq) اقدام به معرفی آن کرد متعلق به قرن ۲ یا ۳ هـ. ق. است؛ باز دیگر در کتاب زیر معرفی شد.
H. J. Klimkeit, *Manichaean art and architecture* [Iconography of religions, 20], Leyde, E. J. Brill, 1982, p. 50 et fig. 56.
اغلب به خاستگاهی قبطی اشاره می شود. (Cf. CHICAGO, 1981, p. 69, par exemple).

^{۱۱۱} D. Haldane, *Bookbindings*, p. 111-113, n° 107.

این تصویر درخور بررسی است: در این تصویر می توان عناصر گوناگون سازنده جلد دیر هنگام (سده ۱۱ یا ۱۲ هـ. ق. یا ۱۷ یا ۱۸ م) ایرانی را مشاهده کرد که در حین کار مرمت، تصویر برداری شده است.

^{۱۱۲} F. Déroche, *Cat. I/2*, p. 54-55, n° 346 et pl. XI A.

^{۱۱۳} این امر به ویژه در مورد جلد های ایرانی و عثمانی صحت دارد که در آنها چرم به کار رفته برای روکش جلد بسیار ظریف بود؛ به این دلیل، همان طور که آ. ساکسیان (1934), p. 150) *op. cit.* نشان داده است طرح های ملیله ای، به استثنای موارد نادر متأخر، مانند نسخه استانبول TIEM 3282، که در سال ۱۳۳۹ هـ. ق. / ۱۴۳۵ م. در شیراز استنساخ شده است، بیشتر در لوح های درون دیده می شوند.

^{۱۱۴} «جلد ها» که دارای روکش تزئینی هستند از کنار هم گذاردن قطعاتی از پوست هایی با رنگ های گوناگون ساخته شده اند. (D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 198).

^{۱۱۵} *Arts d'Orient*, vente du 14-15 avril 1997, étude F. de Ricqlès, lot 660

(این جلد که ما نتوانستیم به مطالعه آن بپردازیم، به نسخه ای تعلق دارد که ظاهراً مانند نسخه های عثمانی است و به نیمه نخست سده ۱۷ م. هـ. ق. تعلق دارد).

^{۱۱۶} «چرم قلم کئی شده: روکش چرمی جلدی که با ابزاری تیز و برنده، آرایه ای بر روی آن کنده کاری شده است.»

(D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 198).

^{۱۱۷} *Op. cit.*, p. 149.

^{۱۱۸} در این باره به قیروان اشاره شده است (G. Marçais et L. Poinsot, *Objets*, t. 1, p. 81, n. 1) و نیز به جلد هایی که احتمالاً در دمشق ساخته شده اند (F. Déroche, *op. cit.*, [REL 54], p. 91: ms. Istanbul, TIEM, SE 2772) این روش مدتی هم دوام آورد؛ برای نمونه نک. نسخه های پاریس (F. D. éroche, "Une reliure du v^e/xi^e s.", NMMO IV/1, 1995, p. 4 et pl. IVa) ز. ووزن به یک نمونه احتمالاً مشابه در لوح داخلی جلد اتجیل یوحنا که از آرامگاه سن کاتبرت (saint Cuthbert) به دست آمده است اشاره می کند؛ در این نمونه شیارها با نقطه های رنگی پر شده اند.



طلا و گاه با مرکب نقش می‌شدند.^{۱۱۹}

جلدهای یمنی اغلب دارای آرایه‌ای هستند که لوح را می‌پوشاند و با آنچه متخصصان جلد‌های غربی «قلم‌کشی»^{۱۲۰} می‌خوانند شباهت‌هایی دارد. تلاش برای انجام پژوهشی در این باره، به ویژه در مورد اصطلاحات فنی، این مسأله را روشن خواهد کرد.

برجسته‌کاری با نخ

در تعدادی از جلد‌های قدیمی استفاده از روشی ویژه، امکان ایجاد تزیین نقش برجسته را به وجود آورده است. در این روش نقش مایه‌هایی که لوح‌ها را تزیین می‌کنند با قرار دادن رشته نخ‌هایی که (با چسب؟) بر روی میان جلد چوبی متصل شده‌اند^{۱۲۱} حاصل می‌شود. این نخ‌ها داخل شیارهای کم‌عمقی که نقش مایه مورد نظر صنعتگر را ترسیم می‌کند قرار می‌گیرند. هنگامی که رشته‌های نخ در محل خود قرار می‌گرفتند، جلد‌ساز روی میان جلد را با چرم مرطوبی می‌پوشاند که هنگام خشک شدن جمع می‌شد و آن‌گاه طرح مورد نظر منطبق با مسیر عبور نخ‌ها آشکار می‌شد؛ وضوح این آرایه، بر اثر مهره‌کشی، با کشیدن ابزاری ویژه برای آشکارتر کردن عناصر نقش برجسته و صاف کردن بقیه سطح چرم به طور مطلوبی افزایش می‌یافت.^{۱۲۲} این شیوه نخستین بار در جلد‌های قرآن‌های قدیمی قیروان شناسایی شد، و ظاهراً در جهان اسلام بسیار رواج داشته

است و مسیحیان نیز آن را به کار می‌برده‌اند.^{۱۲۳}

سوزن‌دوزی

جلد شماره ۱۹۴۵ و ۱۹۴۵A-۱۹۸۱، در موزه ویکتوریا و آلبرت در لندن و نسخه استانبول، کتابخانه دانشگاه A. 6570، نمونه‌هایی از روشی هستند که با سوزن‌دوزی روی پارچه که پیش از این درباره آن سخن گفته شد متمایز می‌شوند. در واقع، در این نوع کار، روکش چرمی به عنوان بوم آرایه سوزن‌دوزی شده به کار می‌رود.^{۱۲۴}

زراندودکاری و مهره‌کشی

از زراندودکاری برای نمایان کردن آرایه‌های جلد‌ها بسیار استفاده شده است.^{۱۲۵} برای تعیین تاریخ پیدایش این روش، می‌توان گروهی از جلد‌های مغربی را مبدأ قرار داد^{۱۲۵}؛ اما بی‌تردید برای آگاهی از این که آیا این روش در سده ۷هـ.ق/۱۳م. در جهان اسلام پدیدار شده است به پژوهش‌های گسترده‌ای نیاز است. وانگهی درباره شیوه‌های جلدسازی همچنان ابهاماتی باقی مانده است. تجزیه و تحلیل‌هایی که اخیراً درباره مواد به کار رفته در جلد‌های نسخه‌های خطی انجام شده وجود جیوه را در طلای به کار رفته در جلد قرآن پاریس، BNF, arabe 5844، آشکار ساخته است: مقصود کاربرد آلیاژی از طلاست که برای زراندودکاری چرم

(T. J. Brownéd., *The Stonyhurst Gospel of Saint John*, Oxford, 1969, p. 14) نمونه‌های قدیمی دیگر در اروپای میانه، شامل نسخه‌های Fulda, Hessische Landesbibliothek, Cod. Bonifatianus 3، که متعلق به سده ۲هـ.ق/۸م. است و Munich, BSB c.l.m. 6294 (cf. J. Vezin, «Les plus anciennes reliures de cuir exemplées dans le demaine latin», dans S. Krámer et M. Bernhard éd., *Scire litteras, Forschungen zum mittelalterlichen Geistesleben* [Bayerische Akademie der Wissenschaften, Phil.- hist. Klasse, Abhandl., Neue Folge, 99], Munich, 1988, p. 394, et n. 11 et 14 pour la bibliographie).

^{۱۱۹} J. Raby et Z. Tanindi, *op. cit.*, p. 113 et 116.

(زمینه بیضی‌بادمی لوح رو و زمینه آرایه‌ی بالک نسخه استانبول، TKS R. 1726, de 838/1435 و یا p. 189 (زمینه نقطه چین طلایی لوح زیر نسخه استانبول، TIEM 2031, de 881/1477).

^{۱۲۰} برای نمونه نک: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 19 (نسخه برلین، SB Glaser 195 که در سال ۹۹۱هـ.ق/۱۵۸۳م. استنساخ شده است)، و یا D. Duda, *Isl. Hss.*, 21., 1, p. 275 et fig. 237 (نسخه وین، ÖNB Cod. Gl. 60، استنساخ شده در ۱۰۴۳هـ.ق/۱۶۳۴م.).

^{۱۲۱} در قیروان، جلدش ۱۲۶، تنها نمونه‌ای است که در آن این روش با یک میان جلد مقوایی به کار رفته است (نک):

G. Marçais et L. Poinsot, *Objets*, t. I, p. 243 et pl. XXVII b).

^{۱۲۲} G. Marçais et L. Poinsot, *Objets*, t. I, p. 21.

^{۱۲۳} نک. جلد نسخه سوری دوپلین، CBL 2، به تاریخ سده ۲ یا ۳هـ.ق/۸ یا ۹م. (B. Van Regemorter, *Some Oriental bookbindings in the Chester Beatty Library*, p. 7-8 et 11, pl. 3 b). وان رگمورتر میان جلد‌های قیروانی و جلد‌های سن کانتربرت بر شمرده است نیز اشاره می‌کنیم. (Le Codex relié depuis son origine jusqu'au haut Moyen-Âge», *Le Moyen - Âge*, 61, 1955, p. 25-26 برای معرفی جدیدی از این جلد‌ها، نک. T. J. Brown éd., *The Stonyhurst Gospel of Saint John*, Oxford, 1969, p. 13-23).

^{۱۲۴} D. Haldane, *Bookbindings*, p. 170-171, n° 159 (در مورد نمونه‌ای که در لندن موجود است) et BERLIN 1988, p. 102, n° 29.

همچنین می‌توان نسخه لندن (GENÈVE 1995, P. 66-67, n° 28) (coll.n.d. Khalili QUR 271) را بدان افزود.

^{۱۲۵} نک Ricard, *op.cit.* p. (نویسنده به وجود نقره در آرایه برخی از جلد‌ها اشاره می‌کند). در بالا به جلد‌های گوناگونی اشاره شد. با این وجود ژان ووزن خاطر نشان می‌سازد که در جلد‌های غربی قرون وسطایی آغازین از زراندودکاری نیز استفاده شده است (نسخه‌های Fulda, Hessische Landesbibliothek, cod. Bonifatianus 3، جلد‌های پیش از ۸۵۴هـ.ق/۱۴۵۴م. که در آنها شیارها با پودر طلا و نقره زینت شده‌اند؛ نسخه مونیخ، BSB c.l.m. 6294، که ممکن است در نیمه دوم سده ۱۰هـ.ق/۱۰۴۳م در تول (Tou) صحافی شده باشد و قالب نقش‌های آن با آب طلا زراندود شده است).

دست دارد هدایت می‌کند. سطوری که در پی می‌آید موضوع ساده‌ای را بیان می‌کند: پیش از هر چیز به طور خلاصه به سمت و سوی اصلی این هنر پرداخته می‌شود و در ضمن بر امکان (و لزوم) طبقه‌بندی آرایه‌ها و بررسی قالب نقش‌هایی که صنعتگران به کار می‌برده‌اند توجه می‌شود. اما، تزیینات کارمایه‌های دارای استفاده کمتر (پارچه، مواد گرانبها، لاک و...) با ذکر جزئیات، در چارچوب این متن نمی‌گنجد. همچنین سنت‌های بسیار ویژه، مانند سنت‌هایی که در صحرای شمال آفریقا یا در آسیای جنوبی گسترش یافته‌اند در سطور زیر، به طور گذرا مطرح خواهند شد.^{۱۲۶}

گونه نخست

ساختار

قدیمی‌ترین نمونه باقی مانده جلد‌های اسلامی متعلق به این گونه‌اند. قطع آنها اغلب بیاضی و به ندرت عمودی است و ساختار جعبه آنها ویژه است. این جلد‌ها در حالت بسته مانند صندوقچه به نظر می‌رسند، به خصوص که ابزاری برای بستن در آنها تعبیه شده که آنها را کاملاً کیپ می‌کند: بندی چرمی که به لوح زیر متصل شده روی یک پیچ قلابدار که در قطر لوح رو فرو نشانده شده پیچانده می‌شود. این جلد‌ها به احتمال زیاد با دیگر جلد‌های متداول در آن دوره تفاوت دارند.^{۱۲۷} آنجا که درباره آنها می‌دانیم،^{۱۲۸} این جلد‌ها به نسخه‌های خطی قرآن اختصاص داشته‌اند - آنچه شکل ویژه آنها نشان می‌دهد بیانگر حداکثر توجه به حفظ و نگهداری است.

عطف نسخه در معرض حوادث بسیاری قرار داشته است: در واقع، تنها وزن میان جلد‌های چوبی نیازمند سازوکاری مناسب برای اتصال محکم دسته جزو‌ها به

به کار می‌رفته است و در زمان خود، بسیار بدیع بوده است.^{۱۲۶}

صنعتگران از رنگی از طیف آبی، به صورت خطوط تزیینی پیچ و خم دار، دور نقش مایه‌ها، و برای زیباتر کردن آرایه‌ها استفاده می‌کردند،^{۱۲۷} هر چند نسبت به طلا، از نظر سطح، کاربرد محدودتری داشت: تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در جلد نسخه خطی مذکور (arabe 5844) رنگ آبی از ترکیب لاجورد بدل و لاجورد اصل به دست آمده است، ترکیبی مشابه با آنچه در تذهیب‌های همین نسخه مشاهده می‌شود.^{۱۲۸}

مهره‌کشی (صیقل کاری)

آرمانگ ساکیسیان برای این کار ظریف اهمیت بسیار زیادی قائل است.^{۱۲۹} این عمل عبارت است از برآق کردن سطح شی بر اثر مالیدن مهره‌ای (از جنس عقیق یا فلز) به گونه‌ای که تاهمواری‌های آن از بین برود.

رنگ روغن (لاک)

منظور از این اصطلاح رنگ قرمزی که از حشرات تیره پنبه دوزیان (coccides) به دست می‌آید نیست، بلکه در مورد اشیاء و به ویژه جلد‌هایی به کار می‌رود که آرایه آنها ابتدا به صورت یک نقاشی با شیوه‌های مختلف ترسیم می‌گردید و سپس با یک لایه ضخیم از روغن جلا پوشانده می‌شد.^{۱۳۰}

انواع جلد و آرایه آنها

تاکنون آثار بسیاری درباره تاریخ جلد و جلدسازی در جهان اسلام انتشار یافته است: مطالعه یک دوره یا یک منطقه بسیار محدود یا معرفی‌های کلی، نسخه‌شناس را در بررسی جلد نسخه‌هایی که در

126 Voir le ch. «Instruments et préparations utilisés par les artisans du livre».

127 م. وایس وایلر این کاربرد را در مورد جلد‌هایی می‌داند که به عقیده او متعلق به سده ۷ هـ. ۱۳۱ م. هستند. (نک. Bucheinband, p. 171, n° 329, ms. Istanbul, Süleymaniye, Şehit Ali 1740, de 686/1287).

128 Voir le ch. «Instruments et préparation utilisés par les artisans du livre».

129 A. Sakisian, op. cit., (1934), p. 149, du même, op. cit., (51, 1927), p. 278, n. 5. voire également le ch.

«Instruments et préparations utilisés par les artisans du livre».

130 بحثی درباره مسائل مطرح شده در مورد استفاده از کلمه «لاک» در ابتدای فهرست اشیاء لاک‌ی مجموعه خلیلی وجود دارد. نک:

N. D. Khali li, B. W. Robinson et T. Stanley, op. cit., p. 10-11.

131 درباره موارد نخست، برخی اطلاعات کتابشناختی در یادداشت شماره ۲۶ آمده است.

132 در مورد این دوره، نمونه‌های باقی مانده بسیار نادرند: به جلد نسخه پایروسی این وهب در صفحات پیشین اشاره شد (نک. یادداشت ش ۳۴). همچنین لازم به یادآوری است که کلیشه نقش چوبی یا آرایه معرق موزه هنرهای اسلامی برلین نمی‌تواند جلد کتاب باشد (نک. به بالا).

133 بخش بزرگی از این جلد‌ها دیگر از نسخه‌های خود جدا شده‌اند، در این مورد نمی‌توان به یقین رسید.



جلد خود بود، چیزی که عملاً وجود نداشت. در قیروان نیز مانند دمشق، اغلب، پیوند میان این دو عنصر ظاهراً فقط از طریق چسباندن یک تکه ورق پوستی بر روی لوح درون جلد و جزوها حاصل می‌شده است؛ منظور یا نیمه دوورقی اولین یا آخرین جزو است یا یک قطعه کمابیش بزرگ، دارای تهرگی که به قسمت بیرونی یکی از جزوهای انتهایی دوخته شده^{۱۳۴} یا به انتهای نخستین یا آخرین صفحه چسبانده شده است.^{۱۳۵} ژرژ مارسه و لویی پوان سو، در قیروان، نمونه‌های بسیاری از این نوع را مشاهده کرده‌اند که در کنار عطف، به طرف وسط میان جلد، سوراخ‌هایی وجود دارد که اضافه نخ‌های دوخت از میان آنها می‌گذشته است: آنها این نشانه‌ها را به عنوان رد اتصال دسته جزوها به جلد در هنگام محکم کردن نخ دوخت به میان جلد تعبیر می‌کنند.^{۱۳۶} جزوها نیز روی قطعه‌ای از ورق پوستی یا پارچه‌ای مخصوص که عطف جلد آن را می‌پوشاند دوخته می‌شدند. امتیاز این سازوکار مطمئناً سادگی انجام آن بود؛ اشکال شکنندگی در این روش کمتر از بقیه روش‌ها نبود. کارهای انجام شده بر روی عطف کم استحکام نسخه ممکن بود به سرعت سبب شکنندگی آن شود. این رادر تعداد عطف‌های مرمت شده‌ای که متعلق به دوره‌ای نسبتاً قدیمی‌اند می‌توان مشاهده کرد.^{۱۳۷} شیرازه بانخ‌های رنگی دوخته می‌شد؛^{۱۳۸} یک رشته نخ ته‌دوزی با عبور از ته جزو، از سوراخی در نزدیکی لبه برگ‌ها تکه‌ای چرم یا ورق پوستی لوله شده را که روی آن طرحی به صورت تیغ ماهی سوزن‌دوزی شده بود در جای خود نگه می‌داشت. در قیروان، دو سازوکار برای محکم کردن دو انتهای شیرازه به کار می‌رفت: در روش اول، شکافی در لبه میان جلد ایجاد می‌شد؛ نخ‌هایی که شیرازه را در جای خود

نگه می‌داشتند از یک «سوراخ ایجاد شده در گوشه [میان جلد] می‌گذشتند، اما طرح چاپ شده چندان واضح نیست.^{۱۳۹} در سازوکار دوم، شکاف روی سطح بیرون میان جلد، مطابق با محور خط نیمساز زاویه، تا سوراخ ایجاد شده روی میان جلد ادامه می‌یابد؛ صحاف انتهایی شیرازه را از این سوراخ عبور می‌داد و از سمت دیگر بیرون می‌آورد و به لوح داخل جلد می‌چسباند.^{۱۴۰}

در شرق، بر اساس یک رسم بسیار قدیمی، نسخه‌ها را از پهنا [در قفسه] قرار می‌دادند؛ بنابراین می‌توان چنین اندیشید که گاه گل‌میخ‌هایی که روی میان جلد‌ها نصب می‌شد برای پیشگیری از ساییدگی گریزناپذیری بوده که به سبب این شیوه مخزن‌داری به وجود می‌آمده است.^{۱۴۱}

آرایه‌ها

میان جلد‌های قاب‌داری که باقی مانده‌اند، ظاهراً همگی روکش داشته‌اند؛ در نمونه‌هایی که روکش چرم آنها از میان رفته، اثر آرایه‌ای که قبلاً ضرب شده، روی چوب باقی مانده است. البته ممکن است روکش چرم بدون آرایه نیز وجود داشته باشد؛ بنابراین اطمینان یافتن از اینکه آیا میان جلد‌ها دارای روکش چرم بوده‌اند یا نه امکان‌پذیر نیست، زیرا احتمال اینکه روزی میان جلد‌هایی کشف شوند که عاری و فاقد اثری از آرایه باشند متفی نیست.^{۱۴۲}

در این دوره، جلدسازان برای ایجاد آرایه، از دو روشی که در بالا به شرح آن پرداختیم، استفاده می‌کردند. روش کمتر متداول، و بی‌تردید اصیل‌تر، روش برجسته‌کاری روی نخ است؛ این روش که در نمونه‌هایی از مجموعه قیروان دیده می‌شود،^{۱۴۳} و نیز در دیگر نمونه‌هایی که در سوریه یافت شده‌اند،^{۱۴۴}

¹³⁴ T. W. Arnold et A. Grohmann, *op. cit.*, p. 46; G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 19-20; F. Déroche, *op. cit.*, (REI 54), p. 93.

¹³⁵ ژ. مارسه و ل. پوان سو به این روش اشاره کرده‌اند: *Objets*, t. I, p. 19.

¹³⁶ G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 18-19 et fig. 3 a, b, c.

¹³⁷ برای نمونه نسخه‌های استانبول TIEM SE 23 et 2196 (F. Déroche, *op. cit.*, [REI 54], p. 86 et 89) ژ. مارسه و ل. پوان سو (F. Déroche, *op. cit.*, [REI 54], p. 16) ظاهر آغیقه دارند که در برخی جلد‌ها گاه همزمان از سه لایه چرم برای روکش جلد استفاده شده است؛ به عقیده ما این موضوع ناشی از مرمت‌های [مکرر] قدیمی است.

¹³⁸ ظاهراً قاعده کار همین بوده است؛ به نظر می‌رسد که کاربرد نخ معمولی محدود به مرمت‌های رایج بوده است.

(G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 20).

¹³⁹ *Ibid.*, et fig. 3 d et e.

¹⁴⁰ *Ibid.*

¹⁴¹ F. Déroche, *op. cit.*, (REI 54), p. 88-89.

¹⁴² دو جلد، موجود در کتابخانه امپروزیانا در میلان، نمونه‌هایی از جلد‌های فاقد روکش می‌باشند که معرفی نیز شده‌اند. (cf. E. Graffini, *loc. cit.*) متأسفانه بررسی این نسخه‌ها جهت مشخص شدن این که آیا آنها اصلاً برهنه بوده‌اند و یا به صورت معمول‌تر، در اثر مرمتی مختصر، روکش خود را از دست داده‌اند برای ما امکان‌پذیر نبود.

¹⁴³ G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 21-22 et 228-243, pl. XXVI à XXVIII.

¹⁴⁴ F. Déroche, *op. cit.* (REI 54), p. 87 et fig. 3.

می شود است که کل زمینه را به طور نامنظم زینت داده اند. برعکس، در دو شیوه دیگر امکان پوشاندن سراسر لوح وجود دارد؛ شیوه اول عبارت است از بسط آرایه ای که عرصه معینی را در چارچوبی معمولاً بسیار مشخص می پوشاند.^{۱۵۰} در شیوه دوم، جلدساز آرایه مرکزی را در محدوده ای با ابعاد کوچک تر نقش کوبی می کند.^{۱۵۱}

علاوه بر لوح ها، گوشه های قاب ها نیز گاهی تزین می شد. در بیشتر نمونه هایی که بر جای مانده است، ارتفاع اندک قاب محدوده آرایه را به خطوطی عمود بر لوح که احتمالاً به صورت دوتا دوتا یا سه تا سه تا کنار هم می آمدند محدود می کرد.^{۱۵۲} روی روکش چرمی محافظ کناره کوچک نسخه قاهره، ۱۸۸ مصاحف Dak علامت شماره جلد با ابریشم سوزن دوزی شده است؛^{۱۵۳} با وجود این، حصول اطمینان از همزمانی این نوشته با تاریخ ساخت خود جلد دشوار است. در نسخه هایی که قطر بیشتری داشتند، آرایه ها ممکن بود پیچیده تر باشند. سه جلد یا قطعاتی از جلد که در قیروان،^{۱۵۴} صنعا^{۱۵۵} و دمشق^{۱۵۶} به دست آمده اند - دو نمونه اخیر دیرتر به دست آمده اند - نشان می دهند که این سطح انعطاف پذیر بر اساس اصول مشابهی که در تزین لوح ها به کار می رفته آراسته شده اند.

قواعد آرایش جلد های گونه نخست در همان زمان از میان نرفتند. نمونه های قدیمی گونه دوم (سده ۵ هـ. / ۱۱ م.) نشان می دهد که آرایه قیطانی

آرایه های خطی بسیار ساده ای به کار رفته است. با وجود این، یک دغه جلد یافت شده در قیروان نشان می دهد که صنعتگران گاه به ترکیب بندی پیچیده ای دست می یافتند که برای پوشاندن سطح دغه به طرز قابل قبول مناسب بودند.^{۱۴۵}

در عین حال، تعداد بسیاری از جلدها به روش نقش کوبی با قالب نقش آراسته شده اند. کم نیستند جلدسازانی که برای ایجاد یک آرایه، تنها از سه یا چهار قالب نقش استفاده کرده اند ([شاید] در اختیار نداشته اند). این آرایه ها در سده های ۳ هـ. / ۹ م. و ۵ هـ. / ۱۰ م.، به دلیل تعداد محدود و سادگی شان، متمایز هستند. سیاهه ای که مارسه و پوان سو فراهم کرده اند نشان می دهد که این آرایه ها اصولاً دارای اشکالی بسیار ساده اند؛^{۱۴۶} اما تلفیق آنها - به ویژه در مورد «آرایه قیطانی» - امکان کارهای پیچیده ای را فراهم می آورد.

برخی جلدها در ظاهر بسیار معمولی اند؛ بدون آرایه و یا فقط دارای خطوط تزینی که جلدساز به وسیله تاکن رسم کرده است؛ این ابزار، گاه برای مشخص کردن جای ترسیم خطوط طولانی آرایه کتیبه مرکزی، پیش از ضرب قالب نقش، به کار می رفته است.^{۱۴۷} از نمونه های مشخص تر چنین بر می آید که تزین تمام لوح برتری داشته است. یکی از راه حل هایی که فقط تا اندازه ای پاسخگوی این خواست بوده است دستورالعمل بسیار ساده ای است که در برخی از جلدهای قیروان^{۱۴۸} و صنعا^{۱۴۹} دیده

این جلد کشف شده قابل مقایسه با جلد نسخه سوری دویلین است، CBL 2 که برته وان رگمورتر آن را شناسانده است. نک. (B. Van Regemorter, *op. cit.*, (1961), p. 7-8 et 11, pl. 3b).

145 G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 230-233 et pl. XXVI.

در واقع، یک دغه و دو تکه است. در مجموعه تونس شماره دیگری از این نمونه های ناقص آمده است که ذهنیت مشابهی را برای پر کردن فضای تزین نشان می دهد.

146 G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 322-362 et pl. XLVIII-LI.

در این سیاهه قالب نقش های قدیمی با قالب نقش های جدیدتر درهم آمیخته است

^{۱۴۷} این نظر همان قدر در مورد [جلدهای] دوره قدیم اعتبار دارد (G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 20) که در مورد جلدهای جدیدتر. Par ex. Londres, V& AM 366/29-1888, du ^{xiv} du ^{xv} s., dans D. Haldane, *Bookbindings*, p. 29, n°5

148 G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 62-69 et pl. XV.

149 U. Dreihholz, *op. cit.*, p. 22-28, fig. 6-7.

150 G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, pl. I-XIV et XVI-XXIV.

151 G. Marçais et L. Poinssot, *objets*, t. I, pl. XXIX.

152 G. Marçais et L. Poinssot, *objets*, t. I, p. 125, n° 54, pl. XIV (voir également les n°s 40 et 75 A, pl. VIII a et XLI).

^{۱۴۸} G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 48 et fig. 14 (این جلد را آ. گرو همان توصیف نموده، اما به این جزئیات اشاره نکرده است:

(T. W. Arnold et A. Grohmann, *op. cit.*, p. 45-46

154 G. Marçais et L. Poinssot, *objets*, t. I, p. 125-126 (n° 54) et pl. XIV.

155 U. Dreihholz, *op. cit.*, p. 28-31, fig. 12-13.

همچنان وجود داشته^{۱۵۷} و نیز معمولاً آرایش جلدها با نقش کوبی تمام لوح ادامه می‌یافته است.^{۱۵۸}

گونه دوم

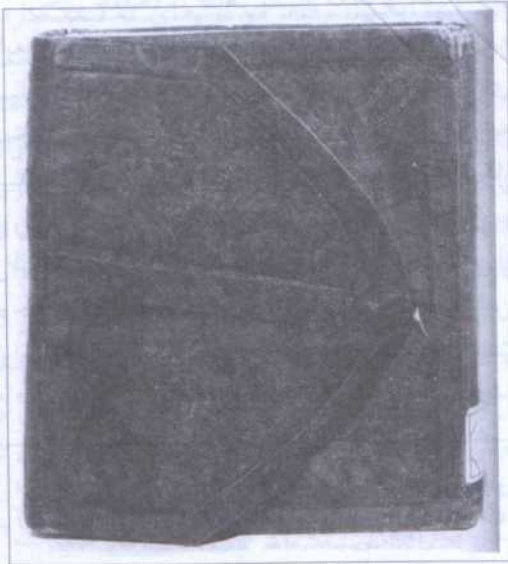
گونه دوم جلد بدون شک رایج‌تر و در جهان اسلام شناخته شده‌تر است، تا آنجا که حالت نمادین یافته است. همان‌طور که در بالا توضیح دادیم، این جلد، دارای دو عنصر شاخص می‌باشد که به طور سنتی، عموماً «سرطبله» نامیده می‌شود. به عبارت دیگر امتداد لوح زیرین متشکل از عطف لولایی و «بالک»، که معمولاً به شکل یک پنج ضلعی است.^{۱۵۹} هنگامی که کتاب بسته است، عطف لولایی دم ورق را می‌پوشاند و بالک یا روی دغه رو قرار می‌گیرد یا زیر آن. این جلدها، «جلدهای سرطبله‌دار» خوانده می‌شوند. در عمل، باید توجه داشت که لولاها که اتصال و حرکت عناصر گوناگون جلد را تضمین می‌کنند در معرض ساییدگی قرار دارند. بنابراین، پیش می‌آید که یکی از آنها پوسیده شده از بین برود؛ برحسب مورد، یکی از دغه‌ها، قسمتی یا حتی تمام سرطبله، تعمیر می‌گردد یا ماهرانه شده یا از میان رفته است. برای جستجوی آثار پارگی یا مرمت، همان‌قدر که عطف جلد را باید به دقت مورد واریسی قرار داد عطف لولایی و بالک نیز می‌بایست موشکافانه بررسی شوند.

ویژگی‌ها

قدمت این گونه جلدها، با توجه به جلدهای قبطی که شباهت بسیار به این گونه دارند و متعلق به دوره‌ای پیش از ظهور اسلام هستند به تفصیل به اثبات رسیده است.^{۱۵۹} با این همه، این جلدها به دلیل شکل کلاسیک خود در گونه دوم ما قرار می‌گیرند، زیرا در این جلدها بالک به گونه‌ای طراحی شده که حتماً روی دغه رو قرار گیرد؛ در واقع بندی که به نوک بالک متصل است

هنگامی که نسخه بسته می‌شود چندبار به دور آن پیچیده می‌شود.^{۱۶۰} از این رو، بعید است این طرز عمل در جهان اسلام ناشناخته باشد؛ شواهد نادری از سده ۴ هـ. ق. و ۱۱ هـ. ق. به جای مانده است که در انتهای نوک بالک آنها آثاری از بندی که امروزه از میان رفته است دیده می‌شود. اما در چگونگی کارکرد آن هیچ تردیدی نیست.^{۱۶۱} از دیگر سو، جلدهای «سودانی» دارای سرطبله‌ای قوسی شکل هستند که ابعادش به اندازه‌ای است که می‌تواند همه مجلد را بپوشاند.^{۱۶۲}

قدیمی‌ترین جلد متعلق به یک نسخه خطی ادبی عربی ظاهراً نسخه خطی قاهره، 2123 حدیث DaK است؛^{۱۶۳} این نسخه هیچ‌گاه مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است، دروغ از یک بازانتشار. آدولف گروهمان که تصویری از آن را به دست آورده است، اظهار می‌دارد که «روی یک طرف آن [...] بقایایی از یک عنصر اضافی سه گوش»^{۱۶۴} وجود دارد؛ او در بیان این امر تردید



تصویر ۱۶: جلد سودانی. (پاریس، BNF arabe 5845)، دغه رو و بالک.

157 F. Déroche, «Une reliure du V^e/ XI^e Siècle», *NMMO* IV/1 juin 1995 p. 3-4 et pl. III et IV b. همچنین جلد نسخه پاریس BNF arabe 7263 (F. Richard, PARIS 1997, p. 37 et reprod. p. 19-20)

158 همان؛ جلد نسخه‌های دوبلین، (1991، p. 119) CHICAGO 1981، n° 14؛ D. James, *Q. and B.*, p. 28، CBL 1434 و نسخه‌های لندن، (1970، p. 170) F. Déroche, *Abbasid tradition*، N. D. Khalili collection of Islamic art، QUR 150، دوام روش تکرار یک قالب نقش یکسان را برای پرکردن سطح لوح نشان می‌دهد.

159 B. Van Regemorter, «La reliure des manuscrits gnostiques découverts à Nag Hamadi» *Scriptorium*, 14, 1960, p. 225-234; J. Doresse, *op. cit.*, p. 27-49; *The facsimile edition of the Nag Hammadi codices*, t. I, Introduction, Leyde, 1984, p. 78.

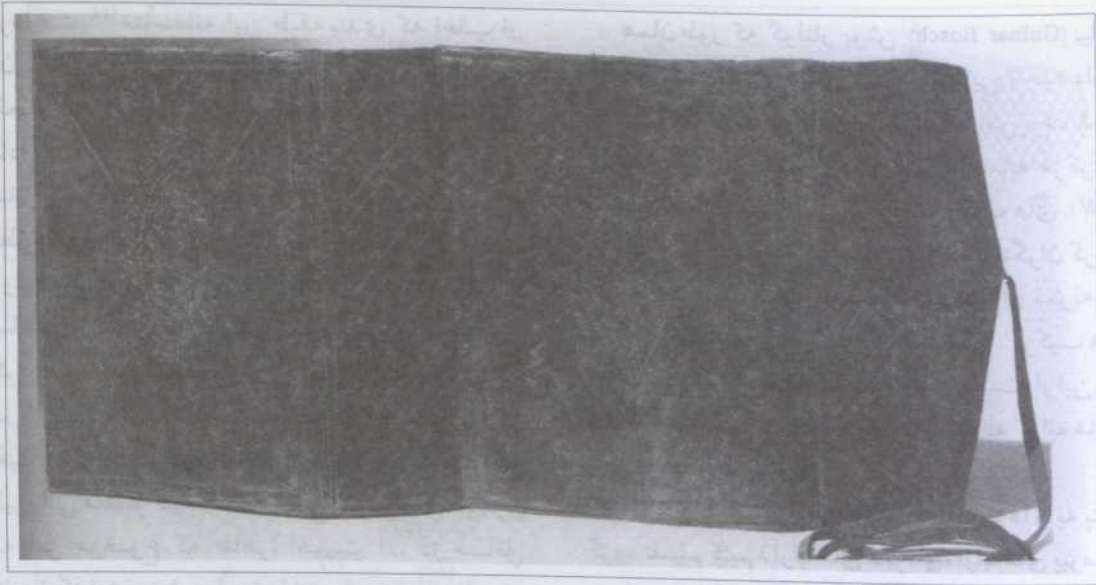
تاریخ این جلدها، مطابق نسخه‌ها، بین اواخر سده ۳ هـ. ق. و آغاز سده ۵ هـ. ق. است؛ از یازده نمونه، تنها سه‌تای آن سرطبله ندارند.^{۱۶۰} علاوه بر آن، شکل سرطبله گاه سه گوش و گاه چهارگوش است.

161 F. Déroche, *op. cit.*, *NMMO*, p. 4 et pl. IVa;

در این جلد و در جلدهایی که برته وان رگمورتر شرح داده است (نک. یادداشت بالا) شباهت‌های آشکاری در شکل قرار گرفتن بند در محل خود با گذراندن آن از شکاف‌هایی کوچک وجود دارد.

162 Voir le ms. Paris, BNF arabe 5035 (F. Déroche, *Cat* 1/2, p. 50-51, n° 340).

163 Voir j. David - Weill, *loc. cit.*



تصویر ۱۷: جلد سوادنی (پاریس، BNF arabe 7226).

اندک شیوه‌های جدیدی به وجود آمدند، هرچند که از جنبه فنی، جلدسازان همچنان به کار با قالب نقش‌های کوچک ادامه می‌دادند و تلفیق ماهرانه آنها امکان ایجاد طرح‌های پیچیده را می‌داده است. این آرایه‌ها، به وضوح، از آرایه‌هایی که بعدها ظاهر شدند و به وسیله کلیشه نقش‌هایی در اندازه‌های کمابیش بزرگ ایجاد می‌شدند متمایز می‌شوند.

در هر حال می‌توان دو گروه عمده را در ترکیب‌ها مشخص کرد: از یک سو آرایه‌هایی که فضای موجود را پر می‌کردند، و از سوی دیگر آرایه‌هایی که تضادی را میان یک عنصر نقش‌کوبی شده در وسط لوح و محدوده تهی مانده ایجاد می‌کردند؛ در حالت دوم تزئینات جنبی (سرترنج، گوشه‌بند، حاشیه‌های با پهنای متفاوت) آرایش را کامل می‌کردند. در معرفی نمونه‌هایی که در پی خواهند آمد این تزئینات مطرح نشده‌اند.

روش‌هایی برای طبقه‌بندی جلدهای قرون وسطایی اسلامی

ماکس وایس وایلر در کتابی که در سال ۱۹۶۲م. منتشر کرد به گونه‌شناسی این نوع آرایه‌ها

دارد که این عنصر هنگام بسته شدن کتاب روی آن قرار می‌گرفته است.^{۱۶۵}

در اکثر موارد، دو دفته جلد دارای تزئین یکسان هستند؛ در جلدهای قدیمی، کم نیستند مواردی که تزئین دفته رو با دفته زیر تفاوت بنیادین دارد. ماکس وایس وایلر (Max Weisweiler) در این مورد به نسخه‌های بسیاری اشاره می‌کند، برای نمونه نسخه برلین quart. 1706 SB or. متعلق به ۵۹۳هـ./۱۱۹۷م.^{۱۶۶} و نسخه 4182 or. fol. متعلق به ۷۸۷هـ./۱۳۸۵م.^{۱۶۷} و اظهار می‌دارد که این جلدها که به عقیده او همزمان با کتابت نسخه ساخته شده‌اند، از ابتدا دارای این تفاوت بوده‌اند؛ این تفاوت هرگز مختص مجلداتی با ساختار معمولی نبوده است مانند لوح‌های نسخه استانبول TKS R. 1726، که برای کتابخانه سلطان مراد دوم در سال ۸۳۸هـ./۱۴۳۵م. تهیه شده است.^{۱۶۸}

اصول تزئینات

تزئینات ضربی لوح‌ها، طبق اصولی که برای جلدهای گونه نخست در نظر گرفته می‌شد، مدت‌ها برای جلدهای گونه دوم نیز به کار می‌رفته است. اندک

164 T. W. Arnold et A. Grohmann, *op. cit.*, p. 112, n. 202.

166 M. Weisweiler, *Buchleinband*, p. 87 et fig. 30.

167 *Ibid.*, p. 83.

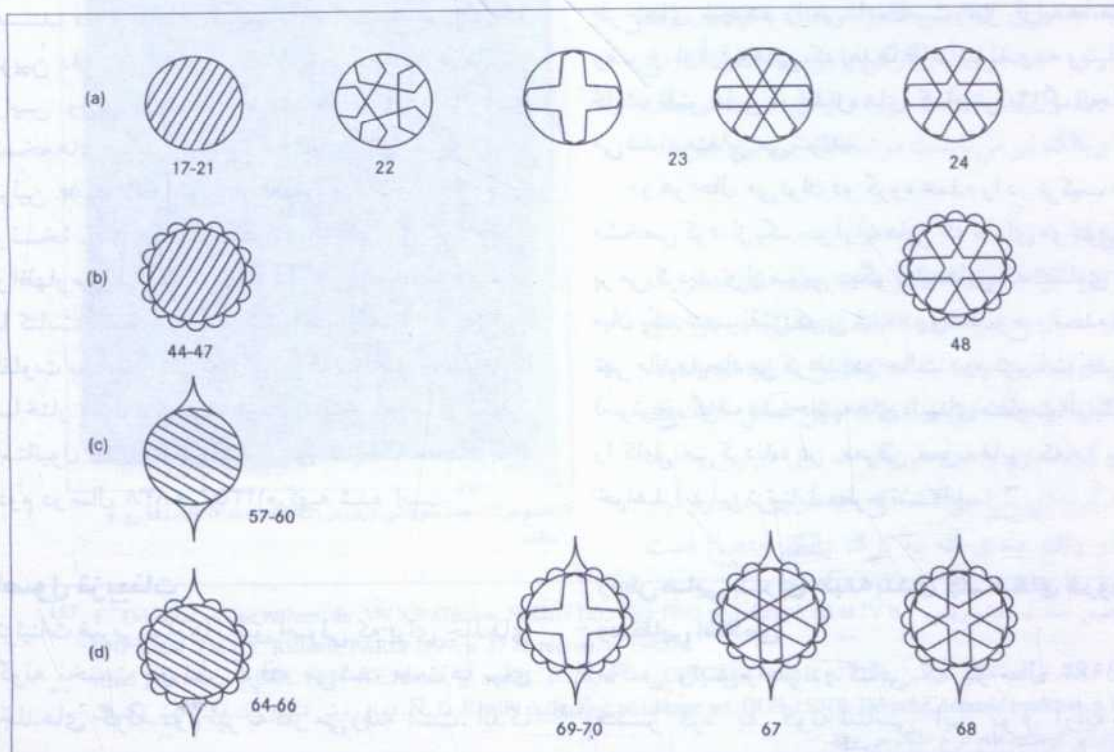
168 J. Raby et Z. Tanindi, *op. cit.*, p. 112-115.

۱۶۵ درباره این موضوع به صفحات بعد نگاه کنید.

همان‌طور که گولنار بوش (Gulnar Bosch) بیان کرده است، نخستین تمایز میان جلدهایی وجود دارد که در آنها آرایه همه سطح نقش را می‌پوشاند و جلدهایی که در آنها آرایه از یک نقش مایه مرکزی ساخته شده است. نخستین آرایه‌ها (گونه‌های WI تا W16^{۱۷۲})، که بیشتر به نظر می‌رسد اثر صنعتگران گروه نخست باشد با گروه نسبتاً محدودی از نمونه‌ها شناخته می‌شود؛ به دلیل پیچیدگی ترکیب‌ها، شناسایی و طبقه‌بندی آنها بسیار دشوار است. از این رو ترجیح می‌دهیم توجه خود را بیشتر به آرایه‌های رایج‌تر معطوف کنیم.

وایس وایلر پیشنهاد می‌کند که این آرایه‌ها را به پنج گروه تقسیم کنیم (آرایه‌های دایره‌ای، آرایه‌های پیوسته به دایره، بادامک، ستاره و آرایه‌های مرکب از نقش‌های هم‌کنار)؛ چهار تایی اول خود به چهار زیر شاخه تقسیم می‌شوند.*

پرداخت.^{۱۶۹} متأسفانه این طبقه‌بندی که اغلب از آن یاد می‌شود، و بسیار فراتر از آنچه پیش از این انجام شده بود گسترش یافته است، به صورتی نادرست و اندک مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین قصد داریم خطوط کلی طبقه‌بندی مورد نظر وایس وایلر را یادآور شویم و در صورت امکان، آرایه‌هایی را که او از آنها آگاهی نداشته، اما به سادگی می‌توان جای آنها را در طبقه‌بندی او تعیین کرد، مشخص نماییم. ولی از نمونه نقش‌هایی که در این کتاب آمده است صرف نظر می‌شود،^{۱۷۰} به غیر از اثری که مارسه و پوان سو درباره‌ی جلدهای قیروانی منتشر کرده‌اند،^{۱۷۱} هیچ اثر مفصل دیگری به این موضوع که ظاهراً اهمیت آن در مسائل تاریخ‌گذاری روشن است اختصاص نیافته است. متأسفانه توضیح وایس وایلر برای حدود صد قالب نقش و کاربرد بسیار دقیق آنها فاقد تصویر است.



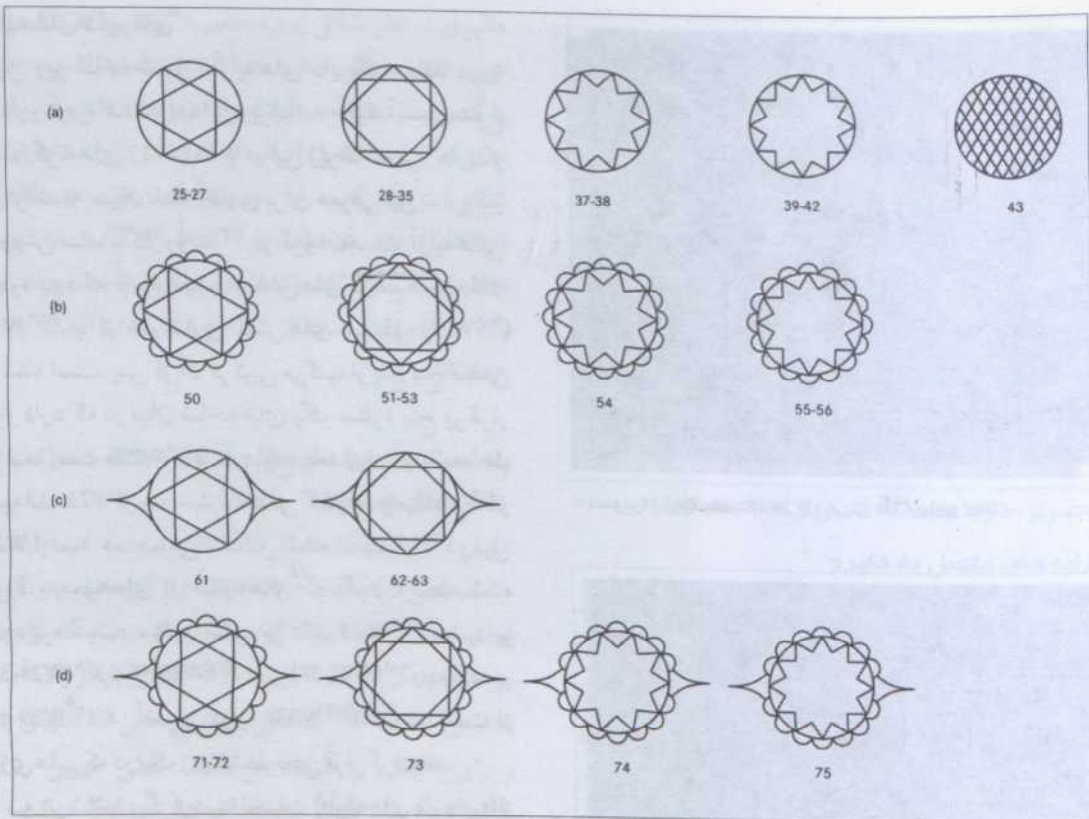
تصویر ۱۸: صورت ساده‌شده آرایه‌های مرکزی توصیف‌شده وایس وایلر. شماره‌ها مربوط به گونه‌هاست.

^{۱۶۹} پیش از این گ. بوش (G. Bosch) در رساله دکترای خود («Islamic bookbindings-Twelfth to seventeenth centuries») در دانشگاه شیکاگو، در سال ۱۹۵۲، طبقه‌بندی را بر پایه‌ی موادی محدودتر پیشنهاد کرده بود؛ در نمایشگاه شیکاگو در ۱۹۸۱ از همین طبقه‌بندی استفاده شده بود. (CHICAGO 1981, p. 85).

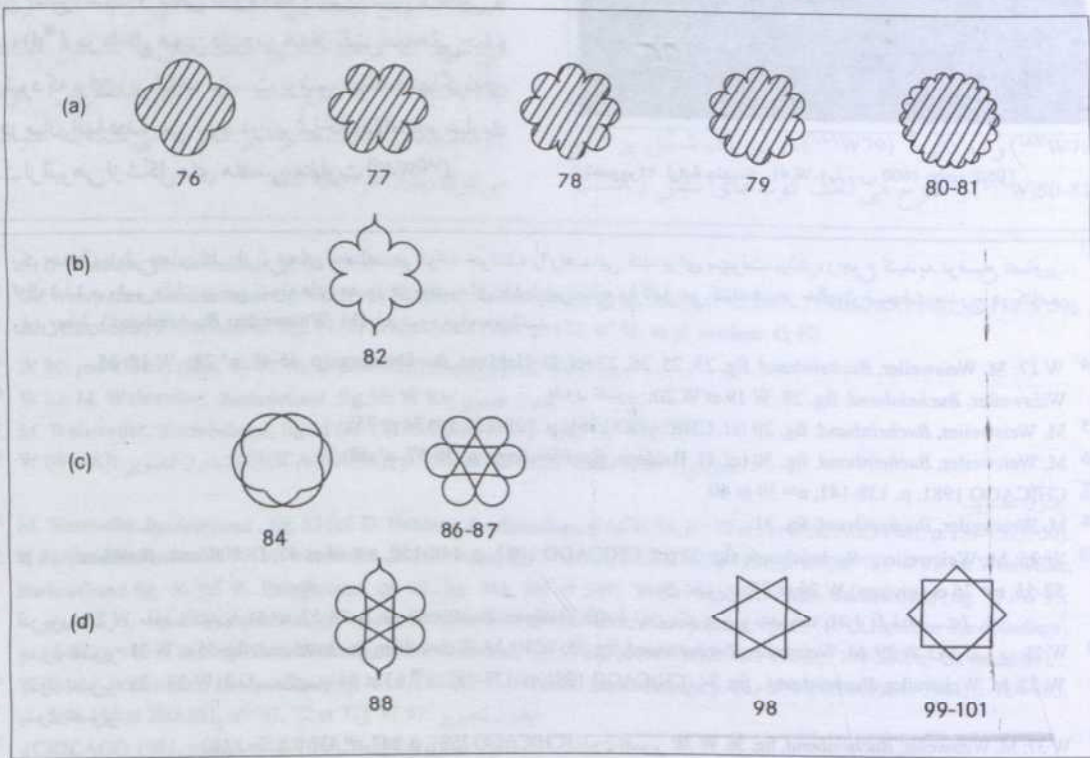
170 M. Weisweiler, *Bucheinband*, p. 61-78.

171 G. Marçais et L. Poinssot, *Objets*, t. I, p. 322-362 et p. XLVIII-LI.

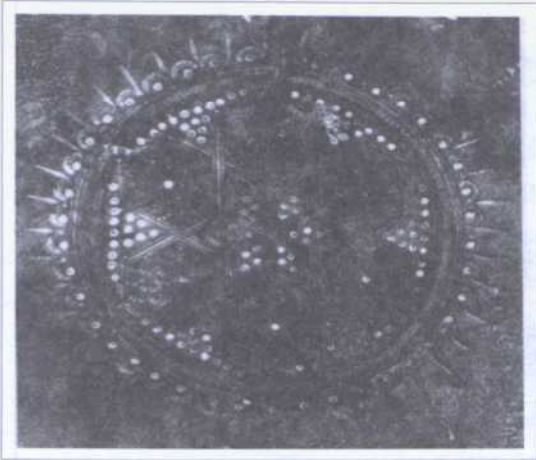
172 W = type Weisweiler.



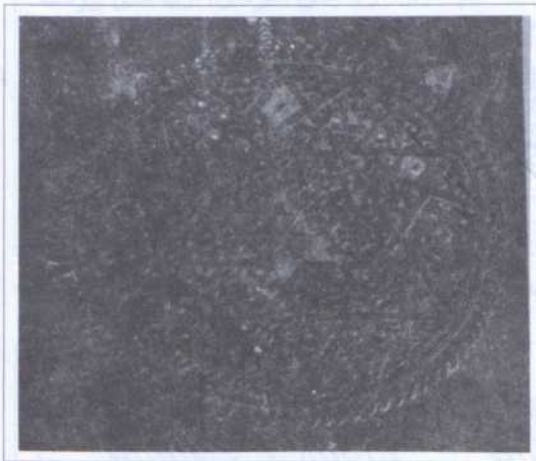
تصویر ۱۹: صورت ساده شده آرایه های مرکزی توصیف شده و ایس و ایلس. شماره ها مربوط به گونه هاست.



تصویر ۲۰: صورت ساده شده آرایه های مرکزی توصیف شده و ایس و ایلس. شماره ها مربوط به گونه هاست (بادامک ها در اینجا نشان داده نشده اند).



تصویر ۲۱: آرایه جلد، نک. W 24 (پاریس، BNF arabe 6736).



تصویر ۲۲: آرایه جلد، نک. W 41 (پاریس، BNF arabe 1600).

اوکین زیر شاخه شامل «آرایه‌های دایره‌ای» فاقد دوره لبه‌دار و آویزه هستند (a)؛ این زیر شاخه حقیقتاً بسیار متنوع است: گونه‌های W17 تا W43 در این زیر شاخه قرار دارند و می‌توانند به عنوان نقطه آغازی برای معرفی این سازوکار به روش ساده به کار روند. ۱۷۳ در گروه نخست آرایه‌هایی وجود دارد که دایره آنها یا از نقش‌های درهم تابیده (20-17^W)، یا از هم‌کناری نقش‌های مستقل (21^W) پُر شده است. پس از آن ترکیبی مرکب از پنج پنج ضلعی قرار دارد که در میان شاخه‌های یک ستاره پنج پر قرار گرفته است (22^W). دو نوع بعدی بسیار به هم شبیه‌اند: W23 از سه شش ضلعی کشیده و متقاطع ۱۷۷ و W24 از سه ده ضلعی تشکیل شده است. ۱۷۸ دومین گروه، مجموعه‌ای از ستاره‌های گوناگون احاطه شده در دایره است: ستاره شش پر (25-27^W)، هشت پر (28-35^W)، نه پر (36^W)، ده پر (37-38^W) و دوازده پر (39-42^W). آخرین آرایه (43^W) عبارت است از لوزی‌هایی که در یک زمینه شطرنجی قرار گرفته‌اند.

سه زیر شاخه دیگر از دسته نخست («آرایه‌های دایره‌ای») از نظر تزئین دور دایره با هم تفاوت دارند: این تزئین دور گاهی لختی (دالبر) است و گاهی آویزه (c)، و نیز ترکیبی از لختی و آویزه (d). در داخل همین دایره نیز همان نقش‌مایه‌هایی دیده می‌شود که برای زیر شاخه نخست بر شمرده شد؛ تنها گونه‌ای که در میان آنها دیده نمی‌شود در زیر شاخه (b) آمده و عبارت است از انبوهی از شکل‌های هندسی متفاوت (49^W).



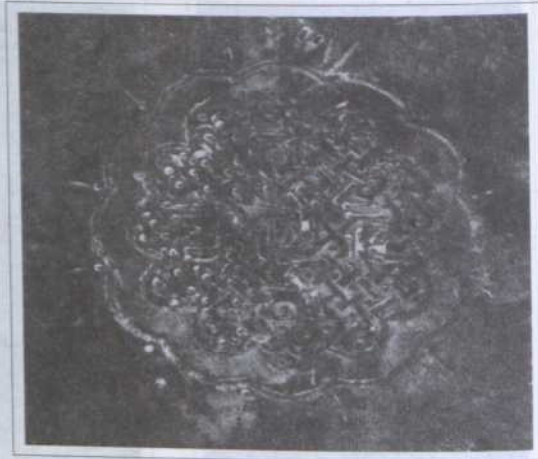
ت ۲۲

ت ۲۴

۱۷۳ یک جدول با طرح‌های کلی از نوع‌های مختلف می‌تواند خواننده را راهنمایی کند. برای سهولت بیشتر، رجوع کنید به توضیح تصاویر ارائه شده‌ی م. وایس وایلر؛ برخی نمونه‌های مصور در چاپ‌های جدید این منابع را کامل می‌کنند. در هر حال، توضیحات مندرج در کتاب وایس وایلر (M. Weisweiler, *Bucheinband*) باید مورد مراجعه باشند.

- 174 W 17: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 23, 25, 26, 27 (cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 46-47, n° 28). W 18: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 28. W 19 et W 20: بدون تصویر.
- 175 M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 29 (cf. CHICAGO 1981, p. 129-131, nos 34 et 35).
- 176 M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 30 (cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 56-57, n° 49).
- 177 CHICAGO 1981, p. 138-141, nos 39 et 40.
- 178 M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 31.
- 179 W 25: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 32 (cf. CHICAGO 1981, p. 148-150, nos 44 et 45; D. Haldane, *Bookbindings*, p. 52-53, nos 36 et suivants). W 26 et 27: بدون تصویر (در مورد W 27 مقایسه کنید با 51^{n°} (D. Haldane, *Bookbindings*, p. 56-57, n° 51)، آرایه‌ای که در زیر مجموعه b قرار گرفته است).
- 180 W 28: بدون تصویر؛ W 29: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 33. W 30: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 35 a. W 31: بدون تصویر؛ W 32: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 34 (CHICAGO 1981, p. 178-181, nos 63 et 64) (مقایسه کنید با 64^{n°} و 63^{n°}). W 33 - 35: بدون تصویر.
- 181 (مقایسه کنید با 43^{n°} (CHICAGO 1981, p. 147, n° 43)). بدون تصویر؛ W 37: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 36. W 38: بدون تصویر.
- 183 W 39 et 40: بدون تصویر؛ W 41: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 38a. W 42: بدون تصویر؛ W 43: بدون تصویر.
- 185 M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 39a.

دالبری از نظر شکل آویزه متغیرند (83، W82^{۱۹۰}). وقتی دوره نقش با یک خط واحد ترسیم نشده باشد، منطبق با گذر حلقه های درهم تابیده آویزه ها، با همان تعداد دالبر، در زیر شاخه (c) قرار می گیرد. این زیر شاخه شامل شکل های مرکب از تصویرهای دو سه حلقه ای (W84^{۱۹۱})، سه دو حلقه ای (86-87، W^{۱۹۲}) و سه چهار حلقه ای (W85^{۱۹۳}) است. آخرین زیر شاخه، تنها شامل یک نوع می شود که از W86 مشتق شده است یعنی W88^{۱۹۴}.



تصویر ۲۳: آرایه جلد، تک. W 79 (پاریس، BNFarabe 2898).

بادامک ها، ستاره ها و آرایه های مرکب از نقش های هم کنار

وایس وایلر از میان بادامک ها (دسته سوم)، نه گونه بادامک را مشخص کرده است (W89-97): این گونه ها به دو گروه اصلی تقسیم می شوند که بستگی دارد به اینکه از چند درهم تابیدگی پر شده باشند (W89-95^{۱۹۵}) یا از یک آرایه اسلیمی (W96-97^{۱۹۶}): شکل سرترنج هایی که انتهای بالا و پایین نقش را امتداد می دهند نقش مهمی را در طبقه بندی بر عهده دارند. دسته چهارم* مرکب از ستاره های شش پر (W98^{۱۹۷}) و هشت پر (W99-101^{۱۹۸}) است. آخرین (پنجمین) دسته، شامل آرایه های مرکزی می شود که از هم کناری قالب نقش ها تشکیل شده اند (W102-110^{۱۹۹}). نویسنده با همین نگرش، نوعی گونه شناسی بالک ها را نیز مطرح می کند که خواننده می تواند بدان مراجعه کند.^{۲۰۰}

آرایه های متصل به دایره

دسته دوم شامل شکل های مدور دالبرداری است که در آنها میان دالبرها و دایره مرکزی نوار فاصله وجود ندارد مانند حالت زیر شاخه های b و d در «آرایه های دایره ای». همان طور که پیش از این آمد، گونه ها به چهار زیر شاخه تقسیم می شوند که مطابق با تقسیماتی است که در بالا بر شمرده شد: (a) بدون درهم تابیدگی پیرامونی و آویزه ها؛ (b) بدون درهم تابیدگی پیرامونی، اما همراه با آویزه ها؛ (c) با درهم تابیدگی پیرامونی، اما بدون آویزه ها؛ (d) با درهم تابیدگی و آویزه ها.* وایس وایلر شکل هایی با چهار (W76^{۱۸۶})، شش (W77)، هشت (W78^{۱۸۷}) و ده دالبر* (W79^{۱۸۸})، و نیز یک شکل پُر دالبر (W80-81^{۱۸۹}) را شرح می دهد. گونه های شش و هشت

ت ۲۰
ت ۳۳

186 cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 62-63, n° 69.

187 M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 48 (cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 56, 58-59, n°s 55, 57, ...; CHICAGO 1981, p. 173, n° 59).

188 M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 49 (cf. CHICAGO 1981, p. 172, n° 58, et pl. couleur G, H).

189 W 80: pas d'illustration; W 81: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 51a.

190 W 82: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 50; W 83: بدون تصویر

191 M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 52 (cf. CHICAGO 1981, p. 152, n° 47).

192 W 86 et 87: بدون تصویر (CHICAGO 1981, p. 153, n° 48 et 49).

بدون تصویر.^{۱۹۳}

194 M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 53 (cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 62 et 64, n°s 70 et 71; CHICAGO 1981, p. 154-156, n° 50).

195 W 89: pas d'illustration. W 90: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 54 et 55 (cf. CHICAGO 1981, p. 198, n° 75). W 91: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 56 (cf. R. Ettinghausen, *op. cit.*, fig. 344, 345 et 349). W 92: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 57. W 93: بدون تصویر (cf. R. Ettinghausen, *op. cit.*, fig. 357); W 94: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 58 (cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 35-37, n°s 15 et 16); W 95: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 59 et 60a (cf. CHICAGO 1981, p. 199-200, n° 76, doubleure).

196 W 96: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 61a et 63 (cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 38, n° 18; CHICAGO 1981, p. 184-185, 194-195 et 200-201, n°s 67, 72 et 77). W 97: بدون تصویر.

197 (CHICAGO 1981, p. 122, n° 27). بدون تصویر (مقایسه شود با ۲۷).

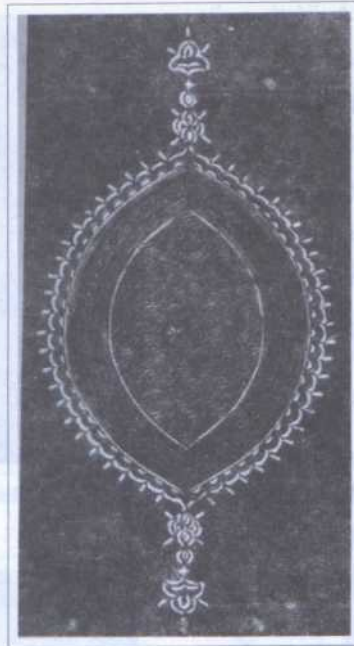
198 W 99: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 64 (cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 32, n° 8). W 100: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 65 (cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 30-32, n°s 6, 7 et 9; CHICAGO 1981, p. 122-125, n°s 28 et 29); W 101: بدون تصویر.

199 W 102: M. Weisweiler, *Bucheinband*, fig. 66 et 67. W 103 et 104: بدون تصویر (comparer W 104 avec D. Haldane, *Bookbindings*, p. 60 et 62, n° 66. W 104) W 105 et 110: بدون تصویر (comparer W 109 avec R. Ettinghausen, *op. cit.*, fig. 358).

200 M. Weisweiler, *Bucheinband*, p. 57-61.



تصویر ۲۶: آرایه جلد، نک. W 94.
(پاریس، BNF arabe 1569)



تصویر ۲۵: آرایه جلد، نک. W 92.
(پاریس، BNF arabe 6041)



تصویر ۲۴: آرایه جلد، نک. W 66.
(پاریس، BNF arabe 1604)



نگاهی به طبقه بندی کلیشه نقش ها

در حدود اواخر سده ۹ هـ/ ۱۵ م.، یک پیشرفت فنی هنر جلدسازی را عمیقاً دگرگون کرد. اندازه قالب نقش ها در دهه های پیش تغییر یافته بود، به ویژه قالب نقش هایی که برای جدول بندی لوح به کار می رفت؛ زیرا برای ایجاد امکان نقش کوبی یک عنصر و حتی تمامی یک آرایه کامل، در یک مرحله، راهی به جز افزودن به ابعاد قالب نقش نبود. دو دسته عمده ای که پیش تر به شرح آن پرداختیم (نقش مایه های مرکزی، تزئین سراسر لوح) همچنان باقی ماندند. هر چند امکان نقش کوبی تمام آرایه، تنها با یک کلیشه نقش ممکن شده بود، اما صنعتگران هرگز ابزارهایی را که برای ترسیم حاشیه های خطوط ساده یا زنجیره S به کار می رفت کنار نگذاشتند. کلیشه نقش ها ابتدا از جنس چرم بودند، سپس کلیشه نقش های فلزی رایج شد. زرانودکاری، که کاربرد فراوان داشت، پس از نقش کوبی با قلم مو انجام می گرفت.

بدون شک، هنوز برای ارائه نظری کلی درباره انواع کلیشه نقش های مورد استفاده در طی یک دوره چند صد ساله و در مکان های متفاوت بسیار زود است. نظرهای کلی که به طور پراکنده مطرح شده است در واقع نشان دهنده ویژگی های محلی است: پیش از این درباره قالب نقش های همراه با نام جلدساز و تاریخ ساخت سخن گفته شد،^{۲۰۱} اما یافتن نمونه های دیگر نیز ساده است.^{۲۰۲} به عنوان نمونه، می توان طبقه بندی کلیشه نقش های مرکزی به شکل بادامک را که در سرزمین های عثمانی کاربرد داشت - صرف نظر از جانورسازی -^{۲۰۳} مطرح کرد.^{۲۰۴}

کلیشه نقش های مرکزی به شکل بادامک

(=بیضی بادامی)

تولیدات هنری عثمانی از آغاز سده ۱۰ هـ/ ۱۶ م. نقش مهمی را در پیشرفت این فن ایفا کرده اند. الگوهایی که آنها به وجود آوردند به صورت گسترده ای رواج

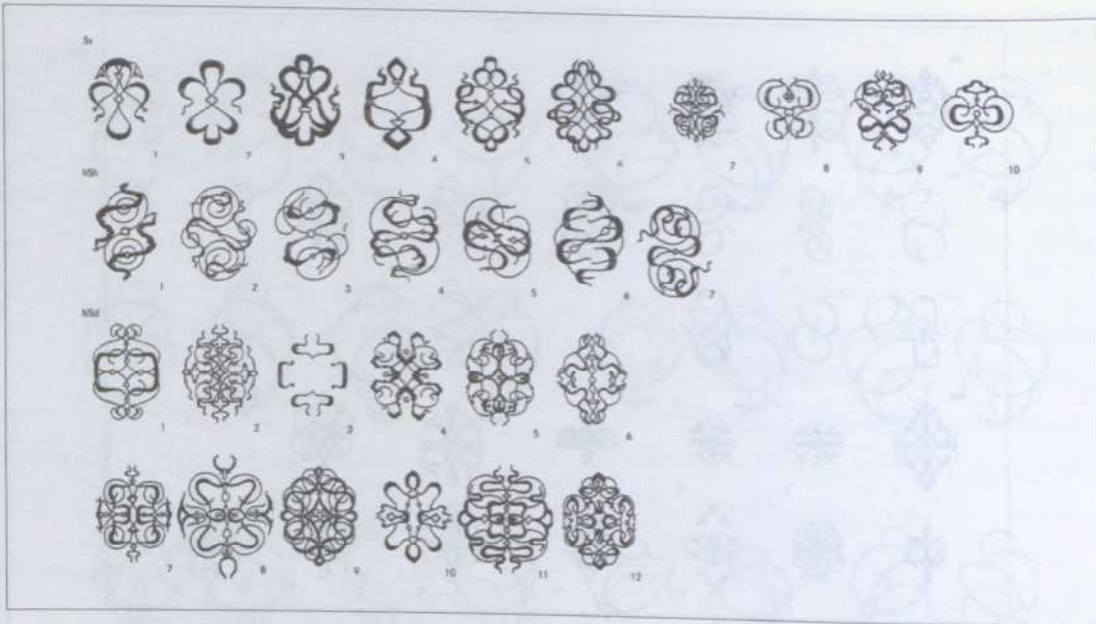
^{۲۰۱} نک. به صفحات قبل.

^{۲۰۲} م. وایس وایلر برای نمونه، توجه اش نسبت به اصل یمنی قالب نقش هایی جلب شده که در قاب های آنها دعایی برای صاحب کتاب نقش بسته است. (Bucheinband, p. 40; reproductions dans le même ouvrage, ill. 19 et 68, et dans D. Duda, *Isl. Hss.*, 2, pl. 233).

²⁰³ F. Déroche, *Cat. I/2*, p. 15-26.

^{۲۰۴} کلیشه نقش هایی نیز به شکل بادامک وجود دارد که آرایه آن شامل شعری کوتاه است. نک.

M. Özgen, «Klasik cilt sanatimizin Özellikleri / Features of the classical bookbinding art», *Antika*, 25, 1987, p.10; il pourrait sagir d'une rarete.



تصویر ۲۷: گونه شناسی نقش های مرکزی (به نقل از F. Déroche, cat. 1/2, fig. p. 17)

نامتقارن* (A) را تشخیص داد؛ در مورد نخست (S)، سه امکان وجود دارد: متقارن با قطر عمودی بادامک (V)، متقارن با قطر افقی (h) و یا متقارن با هر دو قطر (d). در آرایه های نامتقارن، صنعتگران آزادی عمل بسیار زیادی برای ایجاد ترکیب بندی های بدیع داشته اند، اما همه آنها را می توان فقط در دو دسته مطرح کرد: آرایه هایی که نقطه آغاز آنها روی یکی از نقاط [داخلی] بادامک است (i) و آرایه هایی که روی یکی از گوشه های بادامک است (l). نقش کوبی با شیوه های دیگری نیز تلفیق می شده است: زرانندودکاری همه بادامک (و آرایه های ضمیمه)، قرار دادن برگ نازکی از کاغذ یا چرم با رنگی متفاوت که زمینه آن پس از نقش کوبی زرانندود می شد و بدین سان عنصرهای نقش برجسته را با وضوح بسیار نشان می داد. در مناطق دیگر، به ویژه در جهان ایرانی - هندی،

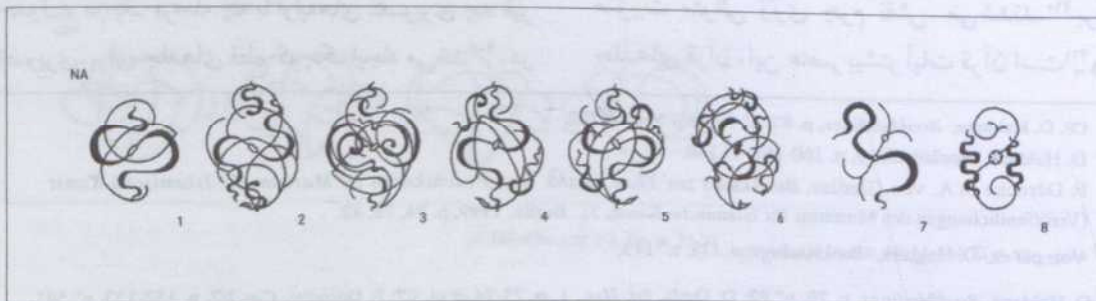
یافت و در مکان های مختلف مورد تقلید قرار گرفت و در یکدست کردن آرایه های جلدها سهم به سزایی داشت. به نظر می رسد این ترکیب بندی ها تابع اصولی بوده اند، و در مجموعه ای نسبتاً محدود مورد اقتباس قرار می گرفته اند. در وهله نخست، برای طبقه بندی کلیشه نقش ها به طور خلاصه، به نظر می رسد که بهتر است تنها ساختار آرایه را مورد نظر قرار دهیم و عناصری، مانند برگ ها و گل ها را که صرفاً برای تنوع به کار می رفته اند، کنار بگذاریم.

برای ارائه طبقه بندی کلیشه نقش های مرکزی شکل بادامک بر این پایه، می توان وجه تمایز ساده ای را میان طرح هایی که به صورت ابر (tchi) ترسیم شده اند* (N) و نمونه هایی که فاقد چنین طرحی هستند* (O) در نظر گرفت. در هر یک از این دو گروهی که بدین صورت حاصل می شود، می توان آرایه های متقارن* (S) و

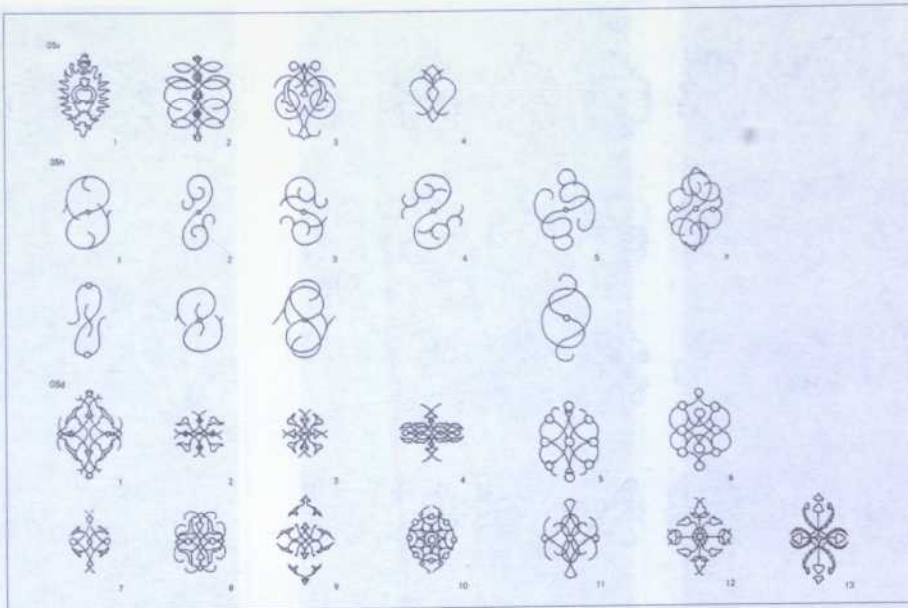
ت ۲۷ و ۲۸

ت ۲۹ و ۳۱ ←

ت ۲۷ و ۲۹ ←



تصویر ۲۸: گونه شناسی نقش های مرکزی (به نقل از F. Déroche, cat. 1/2, fig. p. 18)



تصویر ۲۹: گونه شناسی نقش‌های مرکزی (به نقل از F. Déroche, cat. 1/2, fig. p. 20).

دیگر نمونه‌ها، جلدساز می‌بایست آرایه را در دو، چهار و حتی هشت مرحله با یک کلیشه نقش که هر بار نصف، یک چهارم یا یک هشتم سطح تزیین می‌شد، نقش کوبی کند،^{۲۰۷} معمولاً خطی که نشان دهنده نقطه اتصال میان دو نقش متوالی است به راحتی قابل تشخیص است.^{۲۰۸} استفاده از این ابزار، تا حدی نیز محدود به قطع کتاب‌ها بود؛ گاه، جلدساز ناچار می‌شد نواری را برای پر کردن فضای خالی بسیار پر اهمیت میان کلیشه نقش و لبه لوح ضرب کند.^{۲۰۹}

این روش همچنین امکان نقش کوبی بسیار آسان متن‌های کمابیش پر جزئیات را فراهم می‌آورد، پیش از این، کلیشه نقش‌های با طرح‌های بادامک را مورد توجه قرار دادیم، اما در اینجا، آنها یا در جدول یا در خود زمینه مشاهده می‌شوند. در برخی نمونه‌ها کلیشه نقش‌هایی با ابعاد کوچک دارای عنصری مکتوب بودند که به صورت متوالی روی چرم نقش می‌شدند.^{۲۱۰} برای جلد‌های قرآن، این عنصر بیشتر آیات قرآن است^{۲۱۱} و به

نقش مایه‌های دیگری نیز مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ هر چند در میان آنها امکان تشخیص گروه‌هایی با الهام مشابه (که ممکن است بیانگر سبک‌های محلی باشد)، وجود دارد، اما در عین حال از تنوع قابل توجهی نیز برخوردارند که می‌توان آنها را به صورتی مشابه با تصاویر ۲۹ تا ۳۳ طبقه‌بندی کرد.

کلیشه نقش‌های بزرگ

کلیشه نقش‌های بزرگ که امکان تحقق سریع نقش کوبی یک آرایه را بر روی سراسر لوح فراهم می‌آورند تاکنون مورد طبقه‌بندی قرار نگرفته‌اند؛ طرح‌های آنها اغلب ترکیبی از اسلیمی و نقش مایه‌های هندسی هستند.^{۲۱۲} اما به ندرت از مینیاتور بهره برده‌اند^{۲۱۳} که البته به ندرت به چنین موردی برمی‌خوریم؛ پس از نقش کوبی، آرایه معمولاً به‌طور کامل زرانود می‌شد. با این روش، امکان تزیین سراسر لوح (به استثنای احتمالاً یک جدول)، در یک مرحله چه با آرایه‌های تصویری چه غیر تصویری، برای جلد‌های قطع کوچک ایجاد می‌شد.^{۲۱۴} در

→ ۱۳

→ ۱۴

205 Cf. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 87, n° 90 ou p.104, n° 102.

206 D. Haldane, *Bookbindings*, p. 160-161, n° 149.

207 F. Déroche et A. von Gladiss, *Buchkunst zur Ehre Allahs. Der Prachtkoran im Museum für Islamische Kunst* (Veröffentlichungen des Museums für Islamische Kunst, 3), Berlin, 1999, p. 74, 78, 82.

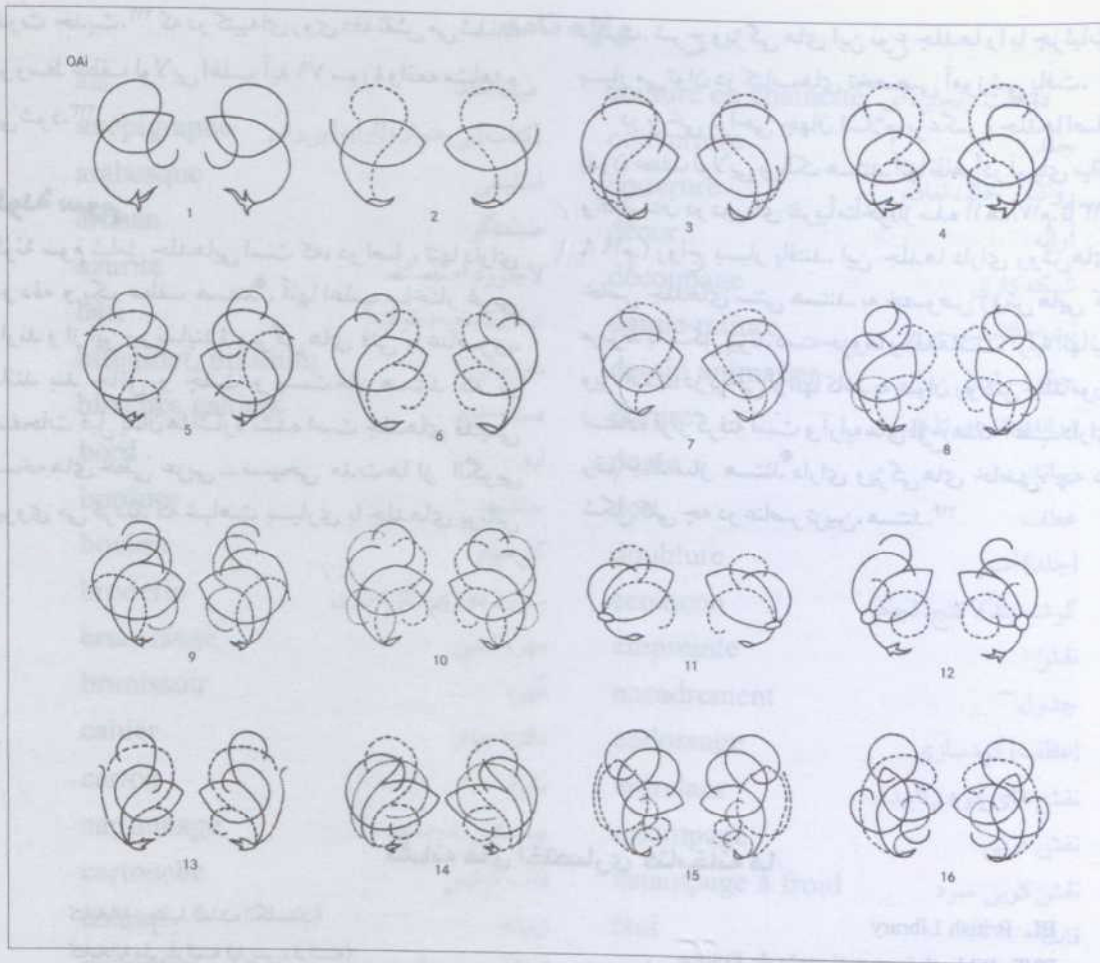
208 Voir par ex. D. Haldane, *Bookbindings*, p. 118, n° 113.

209 D. Haldane, *Bookbindings*, p. 79, n° 82; D. Duda, *Isl. Hss.*, 1, p. 73-74 et pl. 97; F. Déroche, *Cat. 1/2*, p. 132-133, n° 541, pl. XII B.

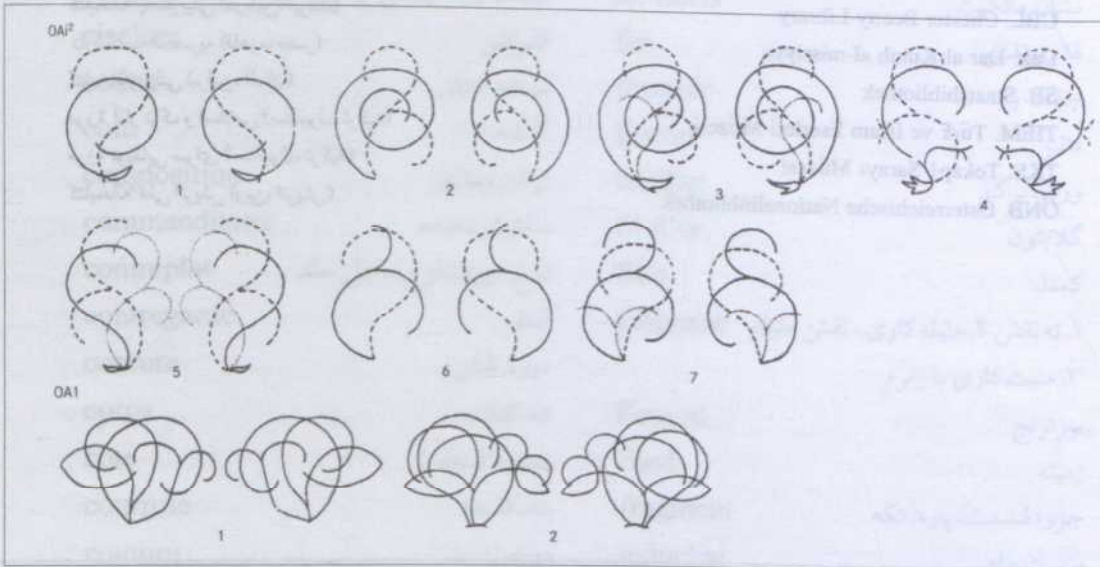
210 D. Haldane, *Bookbindings*, p. 109, n° 105;

افشار، همان، تصاویر. نگاه کنید به جلد‌های ۳۶ و ۳۷

211 LONDRES 1976, p. 93, n° 164; D. James, *Q. and B.*, p. 82, n° 63 s.



تصویر ۳۰: گونه شناسی نقش های مرکزی (به نقل از F. Déroche, cat. 1/2, fig. p. 22-24)



تصویر ۳۱: گونه شناسی نقش های مرکزی (به نقل از F. Déroche, cat. 1/2, fig. p. 25-26)

ندرت حدیث،^{۲۱۲} که در کتیبه‌ای روی دغه نقش می‌شدند؛ در وسط عطف لولایی اغلب آیه ۷۹ سوره واقعه مشاهده می‌شود.^{۲۱۳}

گونه سوم

گونه سوم شامل جلد‌هایی است که، در اصل، تنها دارای دو دغه و یک عطف هستند.^{۲۱۴} آنها اغلب ساختار غربی دارند و از این رو نماینده ویژگی‌های فنی یا عناصری، مانند بند حائل و چفت و بست‌ها، هستند که در صفحات قبل بدان‌ها اشاره نشده است جلد‌های قدیمی نسخه‌های خطی عربی - مسیحی مدت‌ها از الگویی پیروی می‌کردند که شباهت بسیاری با جلد‌های یونانی

داشت. شرح ویژگی‌های این نوع جلد‌ها را با جزئیات بسیار می‌توان در کتاب‌های تخصصی آموزشی یافت.

در برخی نواحی جهان اسلام، برعکس، جلد‌ها اصلاً بدون عطف لولایی و بالک هستند. آنها ظاهر آدر آسیای میانه و افغانستان در دوره‌ای تقریباً متأخر (از سده ۱۱ هـ. / ۱۷ م. تا ۱۳ هـ. / ۱۹ م.) رواج بسیار یافتند. این جلد‌ها دارای روش‌های خاص جلد‌های سنتی هستند. به خصوص روش‌هایی که مربوط به شکل پیوند دسته‌چرها و دغه‌هاست. آرایه آنها نیز ویژه است: در برخی از آنها کاغذ به عنوان روکش جلد مورد استفاده قرار گرفته است و آرایه‌های لوح‌ها که اغلب دارای رقم جلد ساز هستند دارای ویژگی‌های خاصی، چه در شکل کلی چه در عناصر تزئین، هستند.^{۲۱۴}

نشانه‌های اختصاری کتابخانه‌ها

BL. British Library

BNF. Bibliothèque nationale de France

BSB. Bayerische Staatsbibliothek

CBL. Chester Beatty Library

Dak. Dar al-Kutub al-misriyya

SB. Staatsbibliothek

TIEM. Türk ve İslam Eserleri Müzesi

TKS. Tokaplı Sarayı Müzesi

ÖNB. Österreichische Nationalbibliothek

کتابخانه بریتانیا (لندن، انگلستان)

کتابخانه ملی فرانسه (پاریس، فرانسه)

کتابخانه دولتی باواریا (مونیخ، آلمان)

کتابخانه چستربیتی (دوبلین، ایرلند)

دارالکتب المصریه (قاهره، مصر)

کتابخانه دولتی (برلین، آلمان)

موزه آثار ترک و اسلامی (استانبول، ترکیه)

موزه تویقایی سرای (استانبول، ترکیه)

کتابخانه ملی اتریش (وین، اتریش)

212 LONDRES 1976, p. 93, n° 163; D. James, *Q. and B.*, p. 122, n° 99; D. Haldane, *Bookbindings*, p. 151-152, n° 140
متن‌هایی از این نوع، پیش از به کارگیری این روش نیز دیده شده‌اند. (cf. CHICAGO 1981, p. 112-113, n° 19).

213 LONDRES 1976, p. 93, n° 164.

چنان که جلد نسخه دوبلین CBL 1486، متعلق به ۸۹۶ هـ. / ۱۴۹۱ م. نشان می‌دهد، کاربرد آیه در این محل، پیش از ورود فن نقش‌کوبی وجود داشته است (CF. CHICAGO 1981, p. 206-207, n° 82).

214 بادامک‌ها به شکلی بسیار شبیه به لوزی تحول می‌یابند.

واژه نامه

ais	میان جلد	couture en chaînette	دوخت زنجیره ای
anépigraphe	[کتاب] بی عنوان؛ [آرایه] بی رقم	couverture	جلد
arabesque	اسلیمی	couvrure	روکش جلد، لفاف
artisan	صنعتگر	décor	آرایه
azurite	لاجورد اصل	découpage	شبکه کاری
bâti	شلال، بخیه، کوک	demie reliure	نیم جلد، نیم چرم
bifeuillet, bifolium	دوورقی	dessin animalier	جانورسازی
bloc des cahiers	دسته جزو	dorure	زراندوکاری، تذهیب
bord	لبه	dorée	زراندود
bordure	حاشیه	dos	عطف
boulon	گل میخ	doublure	[جلد] آستر
broderie	سوزن دوزی، گل دوزی	écoinçon	گوشه (بند)، کنج، لچکی
brunissage	مهره کشی	empreinte	نقش
brunissoir	مهره	encadrement	جدول
cahier	دفتر، جزو	endossage	[عطف] گردسازی
carton	مقوا	entrelacs	نقش های درهم تابیده
cartonnage	صحافی ته چسب	estampage	نقش کوبی
cartouche	قاب تزئینی	estampage à froid	نقش کوبی سرد
champ	زمینه	étui	قاب
charnière	لولای (درون)	eulogie	مدحیه
chenille	[جلد] آرایه قیطانی، زنجیره ای	ex-libris	نشان مالکیت
ciselure	قلم کنی	fer	قالب نقش
codex	نسخه خطی	fermoir	چفت و بست
coin	گوشه	feston	دالبر
composition	ترکیب بندی	feuille	ورق، برگ
commanditaire	سفارش دهنده	fil d'or	گلابتون
contreplat	لوح درون، لوح داخل جلد	filet	کمند
contregarde	آستر	filigrane	۱. ته نقش ۲. ملیله کاری، نقش ملیله ۳. منبت کاری با چرم
conture	دوره نقش	fleuron	سرترنج
corps	تنه کتاب	fond	زمینه
cote	شماره (مجلد)	fragment	جزو؛ قسمت، پاره، تکه
courroie	بند، تسمه	galuchat	پوست ماهی
couture	دوخت	garde	[جلد] بدرقه
couture des cahiers	جزوبندی، ته دوزی	garde contre → contregarde	
couture à deux aiguille	دوخت دوسوزنه	gaufrage	نقش سردکوبی
couture à une aiguille	دوخت یک سوزنه		

gouttière	دم ورق، ناودانی	plioir	[صحافی] تاکن
habillage	لفاف	plaque	۱. ورقه ۲. تخت نقش، کلیشه نقش
imprimer	ضرب کردن	plat	۱. لوح ۲. دفه
incrustation	مرصع کاری؛ معرق	plat inférieur	دفه زیر، دفه دوم
incrustation de nacre	صدف کاری	plat intérieur	لوح درون، لوح داخل جلد
inscription	کتابه، کتیبه	plat supérieur	دفه رو، دفه اول
lanière	زبان، بند	pleine reliure	جلد یک تکه
lapis-lazuli	لاجورد	polissage	جلا دادن
laques	رنگ و روغن، لاک	pourtour	حاشیه دور، زمینه، دوره
laqué	روغنی، لاک	presse	قید
lobe	دالبر	pseudoreliure	جلد ساختگی
lobé	لبه دار	rabat	سرطلبه، عطف لولایی
mandorle	بادامک، بیضی بادامی	recouvrement	بالک
manuscrit	نسخه خطی	recueil factice	مجموعه ساختگی
marbré (papier _)	(کاغذ) ابری	reliur	صحاف؛ جلدساز
marbure	کاغذ ابری	reliure	۱. جلد ۲. صحافی، جلدسازی
maroquin	تیماج	reliure laquée	جلد روغنی
marqueterie	خاتم بندی	reliure mosaquée	جلد معرق
matériel	کارمایه، مصالح	reliure souple	جلد یک لا
matériau	ماده	reliure à rabat	جلد سرطلبه دار
matrice	قالب	reliure-emboitage	جلد قاب دار
médailion	شمسه	rempli	لبه برگردان
modèle	انگاره	réparation	مرمت
mors	شانه عطف	secretaire	دبیر
motif	نقش مایه	signatu	[صحاف] سجع مُهر؛ [کاتب] رقم
moule	قالب	soufflet	نسجاف
nerf	آته دوزی، آنخ حائل	support	بوم
oblong	بیاضی	stockage	مخزن داری
panneau	کتیبه	talon	ته برگ (= کعب)
papier coloré	کاغذ رنگی	tampon	مُهر
papier maché	کاغذ چسبانده	tanneur	دباغ
papier marbré	ابری، کاغذ ابر و باد	teinture	رنگرزی
papier teinté	کاغذ رنگی	tranche	کناره؛ جلوی کتاب
parchemin	ورق پوستی	tranchefile	شیرازه
paroi	روکش	vernis	روغن جلا
pendentif	سرترنج، آویزه	volume (relié)	مجلد

